

۴
کافهدچار موریانه غربت
به یاد عباس معروفی۶
توسعهفاقد نظریه روشن
آیا دولت چهاردهم نظریه دارد؟۷
کوچهنشستی فاجعه‌بار
هدررفت ۷۸۰ هزار لیتر گازوئیل۸
دیدگاهعلم، تاریخ مصرف ندارد
نقدی بر سخنان عبدالحسین خسروپناه۲
سیاست

واقع گرایی یا اصول گرایی؟

گزارشی از مناظره
صادق زیباکلام و بیژن عبدالکریمی

یادداشت روز

عصر جدید، پارادایمی نو

راه چاره بحران انرژی چیست؟



حسن بجنوردی

آینده‌پژوه

راه چاره ابربحران انرژی کشور، دگرگون‌سازی بنیادین دیدگاه‌ها، سیاست‌ها و شیوه اجرای تدبیرهاست و نکته پراهمیت آنکه داستان انرژی حتماً باید یکپارچه و هماهنگ سیاست‌گذاری شود. چه بسا بهتر باشد، موضوع مدیریت آب هم در کنار انرژی دیده شود. اساساً ابربحران انرژی (در همه بخش‌ها) بحران آب، بحران اقلیمی و بحران پروکراسی و کارآمدی در هم تنیده هستند. حل آشفتگی‌های مذکور یکپارچگی می‌طلبد یعنی سه بحران نخست تحت یک «سازماندهی جدید» کنترل خواهند شد. این «پروکراسی جدید» می‌تواند، الگویی برای «بازتعریف مفهوم دولت کارآمد» در آینده باشد که حتماً باید در فرصتی، مستقلاً و مبسوط بحث شود. عجالتاً ادغام همه ساختارهای اداری مرتبط با موضوع انرژی و آب در وزارت به نام انرژی با ساختاری نوین و بسیار کوچک ولی کارآمد و چالاک می‌تواند دگرگون‌کننده باشد. در یک کلام، کل راهبرد انرژی کشور در چارچوب پارادایمی نو، نیاز به بازیگری‌بندی و بازآفرینی دارد. با نظر به درک مقدمه فوق، در خصوص عبور از بحران کمبود برق و گذار به انرژی‌های پاک، توجه به موارد زیر احتمالاً مفید واقع شود:

۱ شرکت دولتی، توانیر پس از این باید عمده‌تا به نهادی ناظر، تنظیم‌گر مقررات و هماهنگ‌کننده تبدیل شود. همچنین مسئولیت بازسازی شبکه توزیع فعلی را جهت تأمین برق پایه مشترکین برعهده خواهد داشت تا پس از اجرای اصلاحات دوران گذار، تکلیف نحوه مدیریت شبکه در آینده روشن شود.

۲ شبکه توزیع فعلی باید به کل نوسازی و زیرساخت‌های لازم برای ایجاد «شبکه هوشمند» (smart grids) و ورودی‌های غیرمتمرکز انواع انرژی فراهم شود. برای نمونه، برنامه‌های Horizon ۲۰۲۰ در اروپا، امکان مدیریت بهتر منابع توزیع‌شده را از مسیر فناوری‌های دیجیتال فراهم می‌کنند.

۳ نیروگاه‌های گازی فعلی به دست بخش خصوصی کاملاً نوسازی و بازسازی و احیانا واحدهای سیکل ترکیبی اضافه و نیروگاه‌های قدیمی به تدریج از مدار خارج شوند. (نیروگاه‌های گازی باید طبق استانداردهای روز دنیا نوسازی شوند) راندمان حرارتی نیروگاه‌های سیکل ترکیبی مدرن امروزی با فناوری‌های جدید به چیزی حدود ۶۰ درصد رسیده است. بدین ترتیب برای تولید برق در مقیاس امروز مصرف گاز نصف خواهد شد.

۴ برق پایه کشور توسط نیروگاه‌های سیکل ترکیبی مدرن، تأمین شود (شاید حدود ۵۰ هزارمگاوات طبیعتاً باید کارشناسان تعیین کنند) و بقیه نیازمان از طریق انرژی‌های تجدیدپذیر تولید شود. در مرحله دوم ظرف دهه‌های آینده، برق پایه هم می‌تواند با منابع دیگری جایگزین شود. مصرف مستقیم گاز توسط مشترکین به تدریج به سوی برق هدایت و نیاز انرژی کشور تا جای ممکن با برق برآورده شود. (گرمایش و سرمایش ساختمان‌ها می‌تواند عمده‌تا به کمک پمپ‌های زمین گرما geothermal باشد).

۵ کل کشور مثلاً به ۱۰ منطقه برقی یا بیشتر تقسیم و «شهرک‌های (پردیس) خورشیدی و بادی» به دست شرکت‌های خصوصی و سهامی یا به صورت کنسرسیوم ایجاد شود. در هر شهرک زیرساخت لازم تا چند گیگاوات ظرفیت خورشیدی یا بادی و امکانات اتصال به شبکه‌های خصوصی و احیانا دولتی مهیا می‌شود. شرکت‌های متوسط برای تولید برق پاک در شهرک‌های مزبور سرمایه‌گذاری می‌کنند و از پراکنده‌کاری جلوگیری می‌شود. مثلاً یکصد شرکت مختلف در یک شهرک خورشیدی مجموعاً ۵/۱ گیگا برق تولید می‌کنند. این شیوه سبب می‌شود در سرمایه‌گذاری‌های زیرساختی اولیه و نگهداری تجهیزات پس از راه‌اندازی، صرفه‌جویی بزرگی صورت بگیرد. سازوکار استاندارد تعمیر و نگهداری از تجهیزات نیروگاهی باید همزمان با توسعه صنعت مذکور به صورت تخصصی و حرفه‌ای شکل بگیرد (تبدیل به فرهنگ شود).

ماشه؛ تهدید شانگهای

سازندگی به بهانه سفر رئیس‌جمهور به اجلاس شانگهای در چین بررسی می‌کند:
اگر تحریم‌های سازمان ملل با اسنپ‌بک برگردند، آیا عضویت ایران در شانگهای لغو خواهد شد؟
و اساساً چرا دستگاه دیپلماسی ما در فرصت باقی‌مانده از ۳۰ روز دچار رخوت شده است؟



ابوالفضل خدایی

گروه بین‌الملل



ورود مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور ایران به شهر تیانجین چین برای شرکت در بیست‌وپنجمین نشست سران سازمان همکاری شانگهای بیش از یک رویداد دیپلماتیک ساده بود. این سفر، نمادی از تحول عمیق

در مناسبات بین‌المللی و نقطه عطفی برای سیاست خارجی ایران است. در شرایطی که نظم تک‌قطبی جهانی زیر فشار است و «جهان جنوب» صدای خود را بلندتر می‌کند، سازمان شانگهای از یک پیمان امنیتی منطقه‌ای به بازیگری کلیدی در صحنه جهانی تبدیل شده است. این سازمان اکنون با ۱۰ عضو اصلی و ۱۶ کشور ناظر و شریک گفت‌وگو از جمله چین، روسیه، هند و پاکستان در حال ترسیم خطوط قدرت جدیدی

است که می‌تواند، معادلات گذشته را برهم بزند. موقعیت ایران در این سازمان نه تنها با افزایش تعداد اعضا بلکه با تشدید فشارهای غرب، به ویژه تعرفه‌های اقتصادی آمریکا، اهمیت بیشتری یافته است. این همگرایی در برابر تحریم‌ها، فرصتی برای تهران ایجاد کرده تا انزوای دیپلماتیک گذشته را بشکند و به یک بلوک اقتصادی-سیاسی قدرتمند بپیوندد.

ادامه در صفحه ۳

رهنمود

تأکید رهبر انقلاب بر عملیاتی شدن توافق راهبردی ایران و چین



حساب‌های KHAMENEI.IR در شبکه‌های اجتماعی، بیانات رهبر انقلاب درباره ظرفیت نقش‌آفرینی ایران و چین در صحنه جهانی و لزوم عملیاتی نمودن توافق راهبردی دو کشور را به زبان چینی و در آستانه سفر رئیس‌جمهور به این کشور منتشر کردند.

رهبری تصریح کردند: ایران و چین با سابقه کهن تمدنی در دو سوی آسیا، قدرت تحول‌آفرینی در صحنه منطقه‌ای و جهانی را دارند. عملیاتی نمودن تمامی ابعاد توافق راهبردی، این راه را هموار می‌کند.

پارلمان

اعلام مخالفت مجلس با تفویض اختیارات به استانداران

رئیس مجلس در نامه‌ای به رئیس‌جمهور، مصوبه دولت مبنی بر واگذاری اختیارات هیات وزیران به وزرا و استانداران را خلاف قانون اساسی و قوانین عادی دانست و بخشی از آن را «ملغی‌الاثر» اعلام کرد.

در پی تصویب‌نامه‌ای از سوی دولت که اختیارات گسترده‌ای را به نمایندگان ویژه رئیس‌جمهور تفویض می‌کرد، محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی در نامه‌ای به مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور، با استناد به نظرات هیات بررسی و تطبیق مصوبات دولت با قوانین همجین نظریه تفسیری شورای نگهبان، این مصوبه را مغایر قانون اساسی و قوانین عادی دانست و بخشی از آن را «ملغی‌الاثر» اعلام کرد.

در متن این نامه آمده است:

بازگشت به رونوشت تصویب‌نامه هیات محترم وزیران به شماره ۵/۱۶۷۵/ت مورخ ۱۴۰۴/۰۳/۲۹ این موضوع «تعیین وزرا، معاونین رئیس‌جمهور و استانداران به عنوان نمایندگان ویژه رئیس‌جمهور»

متعاقب بررسی‌ها و اعلام نظر مقاماتی هیات بررسی و تطبیق مصوبات دولت با قوانین و مستنداً به صدر ماده واحده و تفسیر(۴) الحاقی به «قانون نحوه اجرای اصول هشتادوپنجم و یک‌صدوسی‌هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و اصلاحات بعدی» و ماده ۱۰۰آیین‌نامه اجرایی آن مراتب متضمن اعلام نظر قطعی جهت اقدام لازم در مهلت مقرر قانونی و اعلام نتیجه به اینجانب ابلاغ می‌گردد. بدیهی است پس از انتضای یک هفته مهلت مقرر در قانون آن بخش از مصوبه که مورد ایراد قرار گرفته است، ملغی‌الاثر خواهد بود.

طبق نظریه تفسیری شورای محترم نگهبان به شماره ۱۳۸۱/۱۰/۱۲ مورخ ۱۳۸۱/۱۰/۱۲ «این اصل ۱۲۷ مربوط به امور اجرایی است و شامل تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌ها و اساسنامه‌ها نمی‌شود و منحصرأ شامل تصمیمات خواهد بود بنابراین تبصره الحاقی ماده ۲۹ که مقرر نموده است، تفویض اختیار دولت موضوع اصل ۱۲۷ قانون اساسی به نماینده یا نمایندگان ویژه رئیس‌جمهور محدود به امور اجرایی است، وافی به مقصود است لکن تصویب‌نامه هیات دولت که طی آن نماینده یا نمایندگانی با اختیارات مشخص تعیین می‌نماید از مصادیق تصویب‌نامه ذیل اصل ۱۳۸ قانون اساسی می‌باشد و لازم است این تصویب‌نامه ضمن ابلاغ برای اجرا به اطلاع رئیس مجلس شورای اسلامی برسد تا در صورتی که آنها را بر خلاف قوانین بداند با ذکر دلیل برای تجدیدنظر به هیات وزیران بفرستد.»

بنابراین از آنجا که اجزای «۱» و «۲» بند الف مصوبه ناظر به تفویض اختیارات هیات محترم وزیران متضمن موارد خاص مذکور در اصل ۱۲۷ و بیانگر مصادیق مشخص نمی‌باشد و ابلاط عبارات مشعر به این است که تمام اختیارات هیات محترم وزیران و رؤسای سازمان‌ها بدون تعیین موضوعات مشخص قابل تفویض است، مغایر با موادی از قوانین حاوی حدود اختیارات وزیران و تعیین وظایف و اختیارات وزارتخانه‌ها و سازمان‌هاست که اعمال آنها قائم به شخص وزیر یا عالی‌ترین مقام اجرایی سازمان‌های موضوع مصوبه می‌باشد.

واقع گرایی یا اصول گرایی؟

گزارشی از مناظره صادق زیباکلام و بیژن عبدالکریمی



گروه سیاسی: در روزهای اخیر مناظره‌ای با موضوع

«بررسی سیاست خارجی ایران، روابط با اسرائیل و پیامدهای مکانیسم ماشه» برگزار شد. مناظره‌ای که در یک سوی آن، یکی از اهل سیاست نشست و در سوی دیگر، یکی از اهالی تفکر. مناظره میان صادق زیباکلام سیاستمدار و بیژن عبدالکریمی فیلسوف، بار دیگر دو رویکرد متفاوت به سیاست خارجی در ایران را برجسته کرد. دو نگاه که یکی لزوم تغییر سیاست‌های خصمانه و اتخاذ رویکرد واقع‌بینانه را دنبال می‌کند و دیگری بر حفظ اصول انقلاب و مقاومت در برابر فشارهای خارجی تأکید دارد. اختلاف نظرهایی که با رویکردی منطقی می‌تواند تأثیرات قابل توجهی بر سیاست‌گذاری‌های آینده ایران داشته باشد.

تقابل با اسرائیل

در ابتدای مناظره، محور اصلی به سیاست جمهوری اسلامی در قبال اسرائیل اختصاص یافت. صادق زیباکلام ضمن انتقاد از سیاست‌های فعلی، گفت که ایران باید درگیری مستقیم با اسرائیل را کاهش دهد و بر لزوم بازنگری در روابط خارجی و اتخاذ رویکردی واقع‌بینانه‌تر تأکید کرد. او هشدار داد که ادامه سیاست‌های خصمانه نه تنها به منافع ملی ایران نمی‌انجامد بلکه کشور را در عرصه بین‌المللی منزوی می‌کند.

در مقابل، بیژن عبدالکریمی دفاع قاطعی از سیاست‌های موجود ارائه داد و حفظ موضع اصولی و انقلابی در برابر اسرائیل را ضروری دانست. او بر لزوم حفظ اصول انقلاب اسلامی تأکید کرد زیرا معتقد است، تغییر این سیاست‌ها می‌تواند به تضعیف هویت ملی و دینی ایران منجر شود. بخش دیگری از این مناظره به تقابل میان ایران و اسرائیل اختصاص یافت. زیباکلام، جنگ را نتیجه مستقیم سیاست‌های ایران دانست و گفت: «این جنگ‌ها هزینه‌های انسانی و مالی زیادی بر کشور تحمیل کرده و به امنیت ملی کمکی نکرده است.» عبدالکریمی اما دیدگاهی متفاوت داشت و جنگ را بخشی از دفاع از اصول و ارزش‌های انقلاب قلمداد کرد. او تأکید کرد که «در جهان امروز، حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور، گاهی نیازمند هزینه است.»

دولت

وزیر نیرو در مجلس

از انتقادات تا ادعای قطع عمدی برق توسط دولت!

گروه سیاسی: امروز مجلس شورای اسلامی نشست‌ی فوق‌العاده برگزار می‌کند تا عملکرد عباس علی‌آبادی، وزیر نیرو در مدیریت ناترازی انرژی، خاموشی‌ها و بحران آب را مورد بررسی قرار دهد. با این حال پیش از برگزاری جلسه، حمید رسایی، نماینده تهران، با انتشار پستی در شبکه اجتماعی ایکس مدعی شده که جریانی در دولت به منظور عصبانی کردن مردم عمدأً برق‌را قطع می‌کند. این اظهارنظر واکنش‌هایی را در پی داشته و انتظار می‌رود امروز نیز در صحن علنی مجلس بازتاب یابد. به نظر می‌رسد این نشست علاوه بر جنبه نظارتی، فرصتی برای روشن شدن مسئولیت‌ها و ارزیابی آمادگی سیستم مدیریت انرژی کشور باشد.

بحران برق و آب در ایران مساله‌ای نوظهور و صرفاً نتیجه عملکرد دولت فعلی نیست. از سال‌های گذشته، تولید و مصرف انرژی، فاصله معناداری داشته و سیاست‌گذاری‌ها همواره با ضعف هماهنگی و فقدان پیش‌بینی‌های کارشناسانه مواجه بوده است. البته طبق گزارش کمیسیون

مکانیسم ماشه و سیاست هسته‌ای

یکی دیگر از محورهای بحث در این مناظره، فعال‌سازی مکانیسم ماشه توسط تروئیکای اروپایی و تأثیر آن بر ایران بود. زیباکلام، سیاست هسته‌ای کشور را مورد انتقاد قرار داد و گفت این سیاست‌ها علاوه بر افزایش فشارهای بین‌المللی به منافع ملی ایران کمکی نمی‌کند. او تأکید کرد که ایران باید رویکردی منطقی و صلح‌آمیز در مذاکرات هسته‌ای داشته باشد. عبدالکریمی اما بر حق ایران در استفاده از فناوری هسته‌ای برای مقاصد صلح‌آمیز تأکید کرد و خواستار ایستادگی کشور در برابر فشارهای بین‌المللی شد و معتقد بود که نباید از آن هراس داشت.

رویکرد کلی به سیاست خارجی ایران

زیباکلام درباره رویکرد فعلی ایران در سیاست خارجی، اصلاح سیاست خارجی و کاهش رویکرد تهاجم را با تأکید بر اهمیت تعامل با جامعه جهانی و منافع ملی توصیه کرد. عبدالکریمی اما با تأکید بر حفظ اصول انقلاب و هویت ملی، معتقد است که «مقاومت در برابر فشارهای خارجی مهم‌تر از سازش با دیگر کشورهاست.»

اعتراض نمادین

در پایان این مناظره عبدالکریمی با انتقاد از بیانیه اخیر اصلاح‌طلبان، اقدام آنها را در انتشار بیانیه در شرایط پس از جنگ ۱۲ روزه و با وجود فشارهای غرب بر ایران، غیرمنطقی دانست و با تأکید بر اینکه «ما در ایران دیگر غریزدگی نداریم، آنچه هست غرب‌پرستی و غرب‌سالاری است» گفت: «فانتزی برخی از دوستان رعب‌آور است. وسط جنگ می‌گویند نظام حکومتی را تغییر بده، وسط جنگ می‌گویند فرمانده کل قوا استعفا بده، غنی‌سازی را تعلیق بکن، بعد بگویند با کدام کارت می‌خواهید، سر میز مذاکره بنشینید. این همه اعتماد به غرب حیرت‌انگیز است. ایرانی‌ها یک حافظه تاریخی متراکم از بی‌اعتمادی به بریتانیا و انگلیس امروز و فرانسه و آلمان و آمریکایی‌ها دارند. برخی از روشنفکرها جویری از غرب حرف می‌زنند انگار غلام خان‌زاد غربی هستند.» او با بیان اینکه اگر شکاف اجتماعی وجود نداشت، جنگ ۱۲ روزه اتفاق نمی‌افتاد، تصریح کرد که انتشار چنین بیانیه‌هایی، زمینه را

برای تجاوز مجدد دشمن فراهم می‌کند.

در ادامه اما زیباکلام که از حامیان بیانیه اصلاح‌طلبان است در مخالفت با عبدالکریمی در اقدامی نمادین، پس از خواندن بندهای اولیه بیانیه اصلاح‌طلبان، آن را پاره کرد و طعنه زد که «اینها خیانت است.» زیباکلام پیش از این در گفت‌وگو با رسانه‌ها، موضع خود را نسبت به این بیانیه اعلام کرده و گفته بود: «این بیانیه واقع‌بینانه است و به نفع مردم ایران، آینده کشور و خود نظام است. من فکر می‌کنم جز جریانات رادیکال، تندرو و انقلابی که کشور را به این روز انداختند و در باتلاق مشکلات فرو بردند، گروه سیاسی دیگری که واقعاً به نظام، آینده جمهوری اسلامی و کشور علاقمند باشد، نمی‌تواند با این بیانیه مخالفت کند. امیدوارم کسانی که مخالفت می‌کنند به صورت شفاف و روشن به مردم ایران توضیح دهند که کدام بخش از این بیانیه به زیان منافع ملی است.»

مقاومت یا انعطاف؟

مناظره اخیر صادق زیباکلام و بیژن عبدالکریمی، نمایشی روشن از دو جریان فکری غالب در ایران درباره سیاست خارجی و جایگاه کشور در نظام بین‌الملل است. در یک سوی این مناظره، زیباکلام با نگاهی واقع‌گرایانه و اصلاح‌طلبانه ایستاده بود، کسی که معتقد است، ادامه سیاست‌های خصمانه و مقابله‌ای با اسرائیل و غرب، نه تنها به منافع ملی نمی‌انجامد بلکه ایران را در عرصه جهانی منزوی می‌کند و در سوی دیگر عبدالکریمی با نگاهی اصول‌گرایی ارزشی و مقاومت‌محور قرار داشت، فیلسوفی که تأکید دارد پابندی به اصول انقلاب و هویت ملی مهم‌تر از انعطاف در برابر فشارهای بین‌المللی است. تضاد این دو نگاه، نه تنها به سیاست خارجی بلکه به کل گفتمان روشنفکری در ایران تعمیم پیدا می‌کند. سیاست خارجی ایران در شرایط کنونی میان واقع‌گرایی و مقاومت اصولی، میان منافع ملی و ارزش‌های هویتی و میان تعامل با جامعه جهانی و ایستادگی ارزشی گرفتار شده است. این مناظره نشان داد که تصمیم‌گیری در چنین فضایی نیازمند تحلیل دقیق، اطلاعات درست و راهبرد بلندمدت و گفت‌وگوی آزاد و نقد شفاف است تا سیاست‌گذاران بتوانند، مسیر درست تضمین امنیت و پیشرفت کشور را بیابند.

است؛ مانند آنچه که حمید رسایی، نماینده تهران اخیراً در شبکه ایکس ادعا کرده: «دقیقاً به همین دلیل است که جریانی در دولت با برنامه در حال عصبانی کردن مردم است. با خاموشی‌ها، قطع آب، گرانی‌ها را کردن امور و... دقیقاً خطی که در دوره روحانی دنبال شد در این دولت هم پیگیری می‌شود و متأسفانه رئیس‌جمهور هم به دلیل نابلدی تحت تأثیر این نظرات به اصطلاح کارشناسی قرار دارد.»

بحران انرژی مسأله امروز نبوده و نخواهد بود. تجربه تاریخی نشان داده است که بدون اصلاحات ساختاری و برنامه‌ریزی دقیق، هیچ راه‌حل کوتاه‌مدتی نمی‌تواند مشکل را برطرف کند. از گذشته ترکیبی از مدیریت ناکارآمد، سیاست‌زدگی و ضعف در اطلاع‌رسانی باعث شده است که بحران انرژی به یک مساله چندوجهی تبدیل شود؛ بحرانی که پیامدهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی آن به شدت ملموس است و شفافیت، پاسخگویی و برنامه‌ریزی کارشناسانه تنها راه عبور از آن است.

توانایی نفوذ ایران

شکست راهبردی اسرائیل در جنگ با ایران از نگاه تحلیل گران غربی

گروه بین‌الملل: در روزهای اخیر، چهره‌های برجسته غربی از شکست راهبردی اسرائیل در جنگ ۱۲ روزه با ایران سخن می‌گویند. «جفری ساکس»، اقتصاددان و تحلیل‌گر سیاست عمومی، معتقد است که اسرائیل و آمریکا در این درگیری هیچ دستاورد واقعی نداشتند؛ هرچند اسرائیل توانست شمار قابل توجهی از غیرنظامیان را هدف قرار دهد.

ساکس تأکید کرد که یکی از نتایج مهم این جنگ، آشکار شدن توانایی ایران در نفوذ به سیستم دفاع موشکی اسرائیل بود؛ نمونه بارز آن، حمله به مؤسسه وایمن. به گفته او، ایران اکنون ظرفیت وارد کردن خسارت جدی به اسرائیل را دارد و این توانمندی رو به افزایش است.

وی افزود که اقدامات نظامی علیه ایران توانست، مانعی واقعی در مسیر برنامه هسته‌ای این کشور ایجاد کند و از منظر نظامی، این عملیات شکست خورده تلقی می‌شود. از نظر دیپلماتیک نیز ناکامی آمریکا و اسرائیل مشهود بود؛ مذاکرات متوقف شد و ناکارآمدی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی آشکار گردید.

ساکس همچنین خاطرنشان کرد که حمله ۱۲ روزه به دلیل آسیب‌پذیری اسرائیل محدود باقی ماند و دونالد ترامپ

دریافت که ادامه جنگ برای او از نظر سیاسی زیان‌بار خواهد بود. او بمباران تأسیسات ایران را نمایشی سطحی دانست که فاقد حمایت داخلی برای تشدید درگیری بود.

وی تأکید کرد که رهبران ایران بارها اعلام کرده‌اند که آمریکا خواهان تسلیم ایران است اما این رویکرد که از دوران امپراتوری‌های غربی رواج یافته باید تغییر کند و احترام متقابل جایگزین آن شود.

این اقتصاددان آمریکایی همچنین به فشار اروپا و آمریکا بر ایران اشاره کرد و گفت اکنون زمان آن است که معیار واحد مبتنی بر قوانین بین‌الملل اعمال شود. وی احتمال جنگ دیگر میان اسرائیل و ایران را محتمل دانست زیرا نتانیاهو خواهان جنگ گسترده‌تر است.

ساکس در پایان شرایط منطقه را بسیار حساس توصیف کرد و گفت جهان باید فوراً اقدام کند تا جلوی نسل‌کشی، قحطی و تجاوزات نظامی اسرائیل و آمریکا گرفته شود و صلحی واقعی و مبتنی بر احترام متقابل برقرار گردد. او همچنین تأکید کرد که ایران و کشورهای عضو بریکس می‌توانند، نقش مهمی در حمایت از صلح داشته باشند و فشار جهانی بر آمریکا را برای توقف اقدامات تجاوزکارانه اسرائیل افزایش دهند.

ادامه تیتريک

ماشه؛ تهدید شانگهای

کارشناسان غربی نیز اذعان دارند که نفوذ آنها در شکل‌دهی به سیاست خارجی کشورهای این بلوک رو به کاهش است و ایران دیگر آن‌گونه که تصور می‌شد، منزوی نیست.

از گفت‌مان تا عمل؛ پزشکيان در نشست شانگهای

سفر پزشکيان به چین، فرصتی برای بیان مواضع ایران در این مجمع مهم بود. او در سخنرانی خود، سازمان شانگهای را ستون فقرات «چندقطبی‌سازی نظام بین‌الملل» خواند و تأکید کرد که این سازمان باید برای ایجاد جهانی صلح‌آمیزتر و گسترش همکاری‌های اقتصادی، گام‌های عملی و مشخصی بردارد. این رویکرد، در نشست «شانگهای پلاس» نیز تکرار شد؛ جایی که پزشکيان با اشاره به مزیت جغرافیایی ایران در پروژه «کمربند-راه» چین از ظرفیت این سازمان برای تعمیق همکاری‌ها سخن گفت.

نکته حائز اهمیت در سخنان رئیس‌جمهور، تأکید دوباره بر آمادگی ایران برای یافتن راه‌حل‌های دیپلماتیک درخصوص برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز بود. این موضع‌گیری، نشان از رویکردی واقع‌بینانه دارد که تلاش می‌کند از ابزارهای دیپلماتیک برای کاهش تنش‌ها استفاده کند. همچنین استقبال از ابتکار «حکمرانی جهانی» ششی جین‌پینگ، نشان‌دهنده همسویی ایران با رویکردهای شرق در ترسیم یک نظم عادلانه‌تر است.

نتیجه این نشست، امضای بیش از ۲۰ سند و بیانیه همکاری بود که طیف گسترده‌ای از

موضوعات از جمله مبارزه با مواد مخدر، امنیت سایبری، هوش مصنوعی، انرژی پایدار و تجارت چندجانبه را در بر می‌گرفت. این اسناد حاصل نزدیکی دیدگاه‌های اعضا در مسائل گوناگون است و نشان می‌دهد که ائتلاف شانگهای، فراتر از یک اتحاد سیاسی صرف در حال تبدیل شدن به یک ساختار نهادی منسجم است.

قدرتی فراتر از جغرافیا: از امنیت تا اقتصاد

سازمان شانگهای که ریشه‌های آن به پیمان امنیتی میان چین و جمهوری‌های شوروی سابق بازمی‌گردد حالا هویتی جدید یافته است. این سازمان دیگر محدود به مبارزه با تروریسم نیست و به یک نمونه موفق از «منطقه‌گرایی نوین» تبدیل شده که دامنه فعالیتش از اقتصاد تا امنیت گسترش یافته است. با پیوستن ایران، شانگهای دیگر فقط یک باشگاه آسیای مرکزی نیست بلکه به یک نهاد با گستره بین‌المللی تبدیل شده است.

عضویت در این سازمان برای ایران می‌تواند علاوه بر «قدرت

ملی» و «قدرت رابطه‌ای» به «قدرت نهادی» نیز منجر شود. این به معنای تأثیرگذاری ایران در تصمیم‌گیری‌های یک نهاد بین‌المللی است که می‌تواند جایگاه تهران را در معادلات جهانی ارتقا بخشد. اما این قدرت به سادگی به دست نمی‌آید. موانعی همچون تحریم‌های بین‌المللی و محافظه‌کاری برخی اعضا، باعث شده که دستاوردهای اقتصادی ایران از این عضویت تاکنون محدود و بیشتر در حوزه سیاسی باشد.

گزارش‌ها نشان می‌دهد که حجم مبادلات اقتصادی ایران با کشورهای عضو شانگهای هنوز به حد مطلوب نرسیده است. این چالش نیازمند برنامه‌ریزی دقیق و راهبردی برای بهره‌برداری کامل از پتانسیل‌های اقتصادی این سازمان است. کارشناسان معتقدند که ایران نباید تمام تخم‌مرغ‌های خود را در سبد شرق



بگذارد. در کنار تقویت روابط با ائتلاف شانگهای باید سیاست «تش‌زدایی» با غرب نیز در دستور کار قرار گیرد. تنها با تعامل سازنده و متوازن با تمام بازیگران جهانی است که ایران می‌تواند از ظرفیت‌های دیپلماتیک خود به صورت مؤثر بهره‌برداری کند و از گرفتار شدن در دام بازی‌های قدرت دوقطبی جلوگیری نماید.

آینده‌ای در گرو عمل

نکته پایانی و شاید مهم‌ترین بخش بیانیه نشست شانگهای، محکومیت قاطع حملات نظامی آمریکا و رژیم صهیونیستی به ایران در ژوئن ۲۰۲۵ بود. این موضع نشان می‌دهد که اعضای این سازمان در مواجهه با تهدیدات خارجی علیه یکی از اعضای خود همگرایی قابل توجهی دارند. بیانیه آنها این حملات را نقض آشکار اصول حقوق بین‌الملل و منشور سازمان ملل متحد دانست و تأکید کرد که چنین اقداماتی امنیت منطقه و جهان را به خطر می‌اندازد. این همبستگی پیامی قوی به جهان ارسال می‌کند که دوران یک‌تازی نظامی به پایان رسیده و ائتلاف‌های

در همین راستا «جان مرشایمر» نظریه‌پرداز و استاد روابط بین‌الملل دانشگاه شیکاگو در گفت‌وگو با برنامه اینترنتی «Judging Freedom» اظهار کرد که ارتش اسرائیل احتمالاً برای حمله به ایران برنامه‌ریزی احتیاطی دارد. با این حال، وی معتقد است که اسرائیل ممکن است، توان انجام چنین حمله‌ای را نداشته باشد چرا که در جنگ اخیر، ایران موفق شد ضربات سنگینی به اسرائیل وارد کند.

مرشایمر تصریح کرد که اسرائیلی‌ها به خوبی دریافته‌اند در صورت وقوع جنگی دیگر با حملات شدیدتری مواجه خواهند شد و نمی‌توان ادعا کرد که در تبادلات نظامی آینده، وضعیت بهتری خواهند داشت.

او همچنین در مصاحبه‌ای با ناگر کارلسون به اهداف

جدید، آماده دفاع از حاکمیت ملی اعضای خود هستند. البته ناگفته نماند که علاوه بر مواضع اعلامی سازمان شانگهای باید به محدودیت‌های آن نیز اشاره کرد. اجلاس اخیر در شرایطی برگزار شد که روابط ایران و غرب با توجه به فعال‌سازی مکانیسم ماشه، پرتنش‌تر شده و رفع آن نیازمند یافتن راهکارهایی از سوی طرف‌هاست. باید در نظر داشت که سازمان شانگهای یک پیمان نظامی-اقتصادی مانند ناتو نیست و تهدیدی برای دفاع از اعضای خود در برابر تحریم‌ها یا حملات نظامی ندارد. مثال روسیه که پس از تحریم‌های غرب عملاً حمایت عملی چندانی از سوی شانگهای دریافت نکرد این دیدگاه را تقویت می‌کند.

ضمن آنکه برخی اعضای سازمان شانگهای به‌ویژه هند، ملاحظات خاصی در روابط خود با غرب دارند و ممکن است نخواهند در پی فعال شدن مکانیسم ماشه، روابط خود را با آمریکا و اروپا به خطر بیندازند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که موفقیت ایران در بهره‌برداری از این فرصت به مدیریت هوشمندانه سیاست خارجی، تلاش برای تنش‌زدایی با همه طرف‌ها و اصلاحات ساختاری در اقتصاد داخلی بستگی دارد تا از وابستگی صرف به یک بلوک خاص جلوگیری کرده و تاب‌آوری خود را در برابر شوک‌های خارجی افزایش دهد.

بدون شک برجام عامل اصلی پیوستن ایران به سازمان همکاری شانگهای بود. برای پیوستن ایران به این سازمان، دو شرط مهم وجود داشت:

عدم تحریم بین‌المللی و اجماع اعضا. اولین درخواست الحاق ایران به سازمان شانگهای در سال ۲۰۰۶ بود و در سال ۲۰۰۸ یک درخواست برنامه‌ریزی شده و رسمی ارائه شد اما با عضویت ایران در آن مقطع موافقت نشد. تصمیم سال ۲۰۱۰ اعضا مبنی بر عدم تحریم بین‌المللی به عنوان یکی از شروط عضویت نیز راه را بر الحاق ایران که با قطعنامه‌های تحریمی شورای امنیت مواجه بود، بست.

مقامات روسیه صراحتاً اعلام کردند که طبق اساسنامه این سازمان یک کشور تحت تحریم نمی‌تواند به عضویت درآید. سرانجام با اعلام برجام در دولت روحانی و لغو قطعنامه‌های تحریمی سازمان ملل با تصویب قطعنامه ۲۲۳۱ بزرگ‌ترین مانع عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای برداشته شد.

اگر در مدت باقی مانده از فرآیند ۳۰ روزه مکانیسم ماشه گشایشی در روابط ایران و غرب رخ ندهد این موضوع می‌تواند، روابط ایران با سازمان همکاری شانگهای را تحت تأثیر قرار دهد و عملاً عضویت ایران را بی‌اثر کند.



منطقه‌ای اسرائیل اشاره کرد و گفت: «اسرائیل به دنبال گسترش مرزهای خود، تضعیف همسایگان و تجزیه کشورهای منطقه است. این رژیم از تجزیه سوریه توسط آمریکا و ترکیه استقبال کرده و خواهان حفظ وضعیت ضعیف در سوریه و لبنان است.»

مرشایمر در ادامه افزود: «در موضوع ایران، هدف اسرائیل فراتر از جلوگیری از دستیابی به سلاح هسته‌ای است؛ این رژیم به دنبال تجزیه ایران و تبدیل آن به کشوری مشابه سوریه است. اسرائیل خواهان همسایگانی ضعیف و در هم شکسته است. به اردن و مصر نگاه کنید؛ این دو کشور از نظر اقتصادی به آمریکا وابسته‌اند و واشنگتن از این وابستگی به عنوان اهرم فشار علیه آنها استفاده می‌کند.»

دیپلماسی

انسپ بک بی اعتبار است

نامه ایران، روسیه و چین به سازمان ملل

«سیدعباس عراقچی» وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در خصوص نامه مشترک وزرای امور خارجه ایران، روسیه و چین به دبیرکل و رئیس شورای امنیت سازمان ملل متحد نوشت: نامه مشترک من و همکارانم، وزرای امور خارجه جمهوری خلق چین و فدراسیون روسیه، که در تیانجین به امضا رسید، بیانگر موضع قاطع ماست مبنی بر اینکه تلاش کشورهای اروپایی برای فعال‌سازی «سازوکار انسپک» فاقد هرگونه مبنای حقوقی است و از نظر سیاسی اقدامی مخرب به شمار می‌آید.

عراقچی افزود: با اعلام بی‌اعتباری اقدام سه کشور اروپایی (E۳) ما رسماً ثبت کرده‌ایم که هیچ طرفی نمی‌تواند توالی رویدادها را پاک کند؛ این ایالات متحده بود که نخستین بار برجام و قطعنامه ۲۲۳۱ را نقض کرد سپس اروپا بود که به جای پایبندی به تعهدات خود، تصمیم گرفت با تحریم‌های غیرقانونی همراه شود. این حقایق انکارناپذیر باید چارچوب هر گفت‌وگوی جدی در شورای امنیت را تشکیل دهد. وزیر خارجه ایران افزود: ما همچنین اصل بنیادین حقوق بین‌الملل را مورد تأکید قرار دادیم: حقوق و تعهدات جدایی‌ناپذیرند. کشورهایی که به تعهدات خود عمل نمی‌کنند، حق ندارند از مزایای توافقی بهره‌مند شوند که خود آن را تضعیف کرده‌اند. اعتبار دیپلماسی چندجانبه تنها بر اساس این منطق حفظ خواهد شد. آنچه در معرض تهدید است نه تنها حقوق جمهوری اسلامی ایران بلکه تمامیت و اعتبار توافقات بین‌المللی است. اگر پذیرش رفتارهای گزینشی در اجرای تعهدات و سوءاستفاده از فرآیندهای قانونی تحمل شود، بنیان‌های امنیت جمعی به صورت جدی تضعیف خواهد شد. او تأکید کرد: وظیفه اصلی شورای امنیت آن است که به نمایندگی از جامعه بین‌المللی برای حفظ صلح و امنیت جهانی اقدام کند. پیشنهاد سه کشور اروپایی در حقیقت خیانتی به این مأموریت است چراکه شورای امنیت را از جایگاه یک نهاد حافظ ثبات جهانی به ابزاری برای اعمال فشار و اجبار تبدیل می‌کند. وظیفه فوری پیش روی ما بازگرداندن حاکمیت قانون بین‌الملل و تقویت آن است تا دیپلماسی بتواند، فضای لازم برای موفقیت خود را بیابد.



درخشید و جست و رفت

شب محمود کیانوش پدر شعر کودک ایران



نشست «شب محمود کیانوش» از مجموعه برنامه‌های «قرار با ستاره‌ها» شنبه ۸ شهریور با حضور فاطمه سالاروند، علی‌اصغر سیدآبادی، سیدعلی کاشفی خوانساری، وحید نیکخواه‌آزاد و حسن اسماعیلی طاهری در سرای اهل قلم خانهٔ کتاب و ادبیات ایران برگزار شد.

در ابتدای این برنامه سیدعلی کاشفی‌خوانساری ضمن معرفی کوتاهی از محمود کیانوش گفت: «کیانوش در حوزهٔ ادبیات کودک و نوجوان برِخلاف تصور خودش موقتی و گذرا نبوده؛ او به شعر کودک فکر کرده است تا به یک پختگی برسد و در نهایت نظریه‌ای هم در این حوزه ارائه کرد که به مرور با بررسی و باز نشر آن به مرحله‌ای از کارآمدی رسیده است. همسر این شاعر، پری منصوری نیز در حوزهٔ تالیف و ترجمه شعر و ادبیات کودک و نوجوان به صورت مستمر فعالیت و آثاری را ترجمه کرده و به نگارش درآورده اما چندان شناخته شده نیست.»

دل‌بستهٔ زبان فارسی

فاطمه سالاروند نیز در این نشست عنوان کرد: «سخن گفتن دربارهٔ نویسنده، شاعر و هر آن کس که به نوعی در کار خلقِ ادبی است، نه دربارهٔ او که در حقیقت دربارهٔ زبان است و هر ستایش و تحسینی نه از او که ستایشِ زبان است؛ زبانی که زنده و زندگی‌بخش است و متفک از هنرمند، زندگی خویش و زندگی او را نیز ادامه می‌دهد. آن‌چه ما را به کیانوش و به یکدیگر و به دیروز و امروز و آینده وصل می‌کند همین زبان عزیز و گرامی است که می‌شود برایش مرد و برایش زندگی کرد. فراوان شنیده‌ایم و دیده‌ایم هنرمندانی که ترک وطن می‌کنند، پس از مدتی چهار نوعی افت و افول در خلاقیت و گسست و انقطاع از نوشتن می‌شوند.» سالاروند با اشاره به جملهٔ «هنرمندانی که مهاجرت کردند مثل گل و گیاهانی هستند که سر چهارراه‌ها فروخته می‌شوند، ریشه آن‌ها دیگر در زمین نیست و برگی برایشان نمانده» از احمدرضا احمدی، بیان کرد: «این توصیفی دقیق و غم‌انگیز است که البته مثال‌های نقض هم دارد؛ یکی از این استثناها، محمود کیانوش است. این شاعر در وطن خویش یا چنان‌که خود به‌درستی می‌اندیشید در موطن اصلی‌اش– زبان فارسی– ریشه دوانده بود آن‌چنان‌که در طول قریب به ۴۰ سال زندگی دور از ایران، هرگز از این خاک جدا نشد. او بی‌اغراق و بی‌مداهنه دل‌بستهٔ زبان و ادبیات فارسی بود.» سالاروند با بیان این‌که محمود کیانوش از سال‌های جوانی تا پایان عمر از نوشتن دست نکشید و دیده شدن با دیده نشدن، عنایا، دوستی‌ها، دوری‌ها و نزدیکی‌ها در این استمرار و پیوستگی خدشه‌ای وارد نکرد، گفت: «تنها کسانی می‌توانند به این شیوه طی طریق کنند که مومن به کار خویش باشند، از خوش‌آمد و بدآمد و داوری‌های دیگران عبور کرده باشند و جز راه به چیز دیگری نیندیشند. او بیش از بسیاریان دیگر که ترک دیار نکرده بودند، کار کرد، نوشت و به هر شکلی که می‌توانست به زبان و ادبیات فارسی خدمت کرد. روشن است که در اینجا حرف بر سر چون و چند و کم و کیف آثار او در همه قالب‌هایی که نوشت و

عرضه کرد، نیست؛ سخن از پیوستگی و پویایی این پیوند است.» او با اشاره به این‌که حضور کیانوش در شعر کودک فارغ از حسن و عیب و کاستی‌های احتمالی شعرش به موقع بود، عنوان کرد: «او در شعر کودک، دریچه‌ای را گشود و راهی را نشان داد و به قول شاملو یک دم در این ظلام درخشید و جست و رفت؛ امروز هم اگر شعرش را با همان کم و زیادها در دو کفه ترازوی انصاف بگذاریم، او را شایستهٔ لقب پدر شعر کودک ایران خواهیم دانست؛ مگر نه این‌که هنوز و هم‌چنان با گذر این همه سال به محض شنیدن عنوان شعر کودک، نام کیانوش برآیمان تداعی می‌شود؟ محمود کیانوش شاید از شعر کودک فاصله گرفت اما از خلق کردن و نوشتن فاصله نگرفت و همین متوقف نشدن و مدام در قالب‌های گوناگون با زبان سر و کار داشتن، گواهی بر زنده بودن حیات ادبی او و شصیتگتی‌اش و دغدغه و توجهش به زبان فارسی است. کیانوش در کتاب «در حکایت و شکایت زبان فارسی» چنان با دقت و ظرافت و دل‌سوزانه و مستولانه از زبان فارسی و مشکلات و مسائل حول این زبان حرف می‌زند که اگر نامش در شناسنامهٔ کتاب نباشد، نمی‌شود باور کرد این‌ها را کسی نوشته که سال‌ها دور از ایران زیسته است. هم به سبب وقوفش بر اوضاع اجتماعی و فرهنگی این روزگار و هم به خاطر نثر شیرین و روان و قابل فهمش که از نثر خیلی از نویسندگان در این‌جا زندگی کرده، فارسی‌تر است!»

شعر کودک زیر سایهٔ کیانوش

علی‌اصغر سیدآبادی هم در بخش دیگر این نشست با اشاره به این‌که محمود کیانوش وجهی دارد که بیرون از حوزهٔ ادبیات کودک و نوجوان چندان شناخته شده نیست، مطرح کرد: «او به نوعی بنیان‌گذار ادبیات کودک و نوجوان است؛ البته و هم‌زمان با این شاعر، افرادی در حوزهٔ ادبیات کودک و نوجوان شعر سرودند اما کیانوش بود که دربارهٔ چگونگی شعر گفتن و موضوعات مناسب کودکان و نوجوانان فکر کرده و آن را به رشتهٔ تحریر درآورده بود. البته در سال‌های آخر چندان به کار خود در حوزهٔ کودک و نوجوان افتخار نمی‌کرد چراکه دوست داشت، کارهایی که برای ادبیات بزرگ‌سال انجام داده بود هم دیده شود. محمود کیانوش از دههٔ ۴۰ به صورت مستمر در حوزه‌های مختلف و با توجه به نیاز جامعه می‌نوشت و برای بزرگ‌سالان می‌سرود، برداشت من از مجموع حرف‌ها و گفت‌وگوها این است که دوست داشت یکی از شاعران مهم روزگار ما باشد اما چنین نشد. دلایل متفاوتی دارد که بخشی به سیاست و برخی دیگر به نوع شعری که می‌سرود، مربوط است. انقلاب اسلامی گسستی بین دو یا چند نسل از شاعران و نویسندگان ایجاد کرد که کیانوش یکی از آن‌هاست؛ این گسست به نحوی است که جامعهٔ ایران برخی از نویسندگان خود را به فراموشی سپرد؛ دههٔ ۷۰ بار دیگر مطبوعات سراغ نویسندگان و شاعرانی رفتند که خارج از ایران زندگی می‌کردند لیکن این اتفاق در اواخر دههٔ ۶۰ برای کیانوش رخ داد و در آن اام او را به عنوان بنیان‌گذار ادبیات کودک و نوجوان معرفی و از او تجلیل کردند.»

دچار موریانه غربت

به یاد عباس معروفی در سومین سال گرد درگذشتش

۱۰ شهریور امسال، سومین سال‌گرد درگذشت غریبانهٔ عباس معروفی از ستارگان درخشان رمان فارسی بود که به قول سیدمهدی شجاعی، غربت و تهایی او را از پا درآورد: «علی‌رغم این‌که تلاش می‌کرد سرپا بماند اما موریانهٔ غربت از درون می‌خوردش و به سوی فرو ریختن می‌پردش... عباس اساساً قصد رفتن نداشت. تمام صبری و سماجتش را برای ماندن به کار گرفت اما عزم این سو برای راندنش، جزم بود. باید بین کشته شدن و گریختن یکی را انتخاب می‌کرد، راه سومی وجود نداشت. زنجیر قتل‌های زنجیره‌ای دور خانه‌اش و خودش حصار کشیده بود و هر لحظه این محاصره تنگ‌تر می‌شد. می‌گفت هر بار که رادیو و تلویزیون آلمان می‌گوید: «عباس معروفی نویسندهٔ تبعیدی از ایران» دلم گرمی‌گیرد... آن‌قدر در حسرت بازگشت به وطن سوخت تا خاکستر شد. از این‌سو خیلی تلاش شد برای این‌که کُفرش را در بیاورند و علم کنند اما ریشهٔ باورهای او محکم‌تر از آن بود که همه‌ها و دسیسه‌ها بتواند از جا درشان بیاورد.»

عباس در دور گردون

عباس معروفی ۲۷ اردیبهشت ۱۳۳۶ در تهران متولد شد. زمانی که او ۷ ساله بود به خانهٔ جدیدی نقل مکان کردند اما عباس را در خانهٔ مادر بزرگ جا گذاشتند تا پیرزن تنها نباشد. همین تهایی و دوری از خانواده سبب شد تا عباس معروفی به آدم خیال‌پروری تبدیل شود و خیالاتش را هم روی کاغذ بیاورد. از کودکی به نوشتن علاقه داشت و گاهی با تغییر نام آثار نویسندگان بزرگ، سعی می‌کرد اثری بیافریند. عباس معروفی در دبیرستان در رشتهٔ ریاضی درس خواند اما در دانشگاه، ادبیات دراماتیک را انتخاب کرد. قبل از آن‌که زندگی کاری و هنری او دچار فراز و نشیب‌های فراوان شود ۱۱ سال معلم ادبیات دبیرستان خوارزمی و هدف بود. سال ۱۳۵۴ یعنی زمانی که ۱۸ سال داشت، با محمد مدعلی (نویسندهٔ معاصر) آشنا شد. ۴ سال بعد و در سال ۱۳۵۸ پس از تلاش‌های فراوان برای برقراری ارتباط با هوشنگ گلشیری، توانست با او ملاقات کند و نمونه‌ای از نوشته‌هایش را به او نشان دهد. بعدها با جلب رضایت گلشیری و اجازه برای شرکت در کلاس‌های داستان‌نویسی‌اش، راه حرفه‌ای شدن در یونستدگی را در پیش گرفت. در همین سال با محمد سپانلو (شاعر) آشنا شد و زیر نظر او به نوشتن ادامه داد. آشنایی با محمدعلی سپانلو سبب عضویتش در کانون نویسندگان ایران و معاشرت

نقد فیلم ایرانی

شما با ختید

نگاهی به فیلم *مرد عینکی* ساخته کریم امینی

فرزانه متین
گروه سینما، تئاتر و تلویزیون

فیلم «مرد عینکی» به کارگردانی «کریم امینی» و تهیه‌کنندگی «ابراهیم عامریان» در ژانر کمدی–اکشن این روزها هم‌زمان با دو اثر اجتماعی پر فروش در حال اکران است. در واقع می‌توان گفت دوباره تیم «فسیل» گردهم آمده‌اند و با حضور «بهرام افشاری» فیلمی مثلاً کمدی ساخته‌اند اما نتوانسته‌اند، موفقیت «فسیل» را دوباره تکرار کنند. فیلم «مرد عینکی»– که پیش‌تر با عنوان «جلیک» شناخته می‌شد– قرار بود تجربه‌ای متفاوت در سینمای کمدی– اکشن ایران باشد؛ اما به جای ارائه یک روایت منسجم و جذاب، تنها با تقلید از آثار موفق پیشین به سطح یک کلیپ ویدئوی اینستاگرامی تنزل یافته است. فیلم تا نیمه، مخاطب را یاد سریال «مرد هزار چهره» می‌اندازد و از اواسط که وارد قلمروی اکشن می‌شود و یادآور فیلم‌های هالیوودی گیشه است، کتابه‌ای هم به فیلم‌های دنباله‌دار «جان ویک» می‌زند اما می‌توان گفت که در هر دو ژانر شکست خورده است.

کریم امینی در مقام کارگردان برای خنداندن مخاطبان تا توانسته از هر چاشنی که دم دست‌اش بوده، استفاده کرده تا اثرش را متمایز از سایر فیلم‌های طنز کند اما نه تنها در دام تکرار و کلیشه افتاده بلکه فیلمش تبدیل به یک پیراهن پاره پاره شده که هیچ‌کدام از موتیف‌های این اثر نتوانسته‌اند این جامه دریده شده را به هم وصله‌پینه کنند. در واقع «مرد عینکی» مجموعه‌ای از ریزل‌های گسسته اینستاگرامی است. فیلم از همه چیز ضربه خورده است؛

با چهره‌های مشهور دیگری در ادبیات ایران شد. احمد شاملو، باقر پرهام و محمد مختاری از جمله کسانی بودند که عباس معروفی به واسطهٔ عضویت در کانون نویسندگان با آنان آشنا شد. در تابستان ۱۳۶۰ ساختمان کانون نویسندگان توسط دادستانی انقلاب پلمب شد. عباس معروفی زیر نظر هیأت دبیران کانون (احمد شاملو، هوشنگ گلشیری، باقر پرهام، محمد محمدعلی و محمد مختاری) با شکستن پلمب، اسناد کانون را به جای امن رساند تا خطری متوجه اعضای کانون نشود. معروفی در سال ۱۳۶۶ به عنوان مدیر اجرای‌های صحنه‌ای، مدیر ارکستر سمفونیک تهران و مدیر روابط عمومی (سه سال‌ونیم) بیش از ۵۰۰ کنسرت موسیقی از هنرمندان مختلف کشور را به اجرا درآورد و مجلهٔ موسیقی «آهنگ» نیز به سردبیری او در همین دوران انتشار یافت. معروفی در پاییز ۱۳۶۹ مجلهٔ ادبی «گردون» را پایه‌گذاری کرد و در پیوند با این مجله «جایزهٔ قلم زرین گردون» شکل گرفت. این جایزه در پرورش و تشویق نویسندگان جوان نقش چشم‌گیری داشت. یکی از مهم‌ترین اقدامات «گردون» طرح موضوع فعالیت دوبارهٔ کانون نویسندگان ایران بود. سال ۱۳۶۹ جلسات سومین دورهٔ کانون نویسندگان ایران آغاز شد و در سال ۱۳۷۳ به انتشار متن «ما نویسنده‌ایم» انجامید. معروفی سال ۱۳۷۰ به تحریک نیروهای تندرو توسط دادگاه انقلاب بازداشت و به اعدام محکوم شد. اما این حکم پس از دیدار او با دادستان انقلاب وقت، سیدابراهیم رئیسی نقض شد. معروفی پس از تریه از زندان آزاد شد و از فروردین ۱۳۷۲ دورهٔ دوم انتشار «گردون» را آغاز کرد و کار خود را تا اسفند ۱۳۷۴ ادامه داد اما مشکلات او هم‌چنان ادامه داشتند و در سال ۱۳۷۴ با شکایت‌های مختلف به شلاق و زندان و دو سال ممنوعیت از نوشتن محکوم شد. با توقیف «گردون» در سال ۱۳۷۴ فشارهای سیاسی بر معروفی افزایش یافت و او نهایتاً به آلمان مهاجرت کرد. فعالیت‌های ادبی معروفی در آلمان، مدیریت خانهٔ «هاینریش بل»، راه‌اندازی کتاب‌فروشی هدایت و از سر گرفتن کار دوبارهٔ «گردون» بود اما مشکلات آن‌قدر زیاد بود که نتوانست بیش از چند شماره منتشر کند. کتاب‌فروشی عباس معروفی محلی برای گردهمایی‌های دوست‌داران زبان و ادبیات فارسی شد و او کلاس‌های داستان‌نویسی‌اش را هم همان‌جا برگزار می‌کرد. معروفی در شهریور ۱۳۹۹ به سرطان مبتلا شد. مدتی را به درمان گذراند. در طول این ایام از طریق صفحهٔ اینستاگرامش از حال خودش خبر می‌داد و در نهایت ۱۰ شهریور ۱۴۰۱ درگذشت و در برلین به خاک سپرده شد.

فیلمنامه، کارگردانی و شخصیت‌پردازی. کارگردانی «امین کریمی» در حد ثبت لحظه‌هاست. ساختار پرشارد فیلم بدون انسجام و عمق صرفاً پر از لحظه‌های بی‌مزه‌گی است و مشخص است که فیلمنامه تنها برای فروش گیشه نوشته شده و خبری از خلاقیت در آن نیست. کارگردان اگر نتواند در اثرش خلاقیت و نوآوری ایجاد کند، کارگردان نیست بلکه تدوین‌گر یک سری ویدئوهاست. «مرد عینکی» خیلی دوست دارد هم شخصیت‌محور باشد هم ماجرامحور که در این مورد مانند سایر موضوعات دیگر عقیم مانده





اعتراض در کنار ستارگان ونیز

**برگزاری راهپیمایی اعتراضی به رژیم صهیونیستی
همزمان با جشنواره سینمایی**

موجودی هیولایی، زندگی می‌بخشد و در نهایت هر دو آنها نابود می‌شوند. این فیلم حماسی ۱۴۹ دقیقه‌ای که با بودجه ۱۲۰ میلیون دلاری ساخته شده، می‌تواند یکی از مدعیان اصلی فصل جوایز برای تفلیکس باشد. لوردی پیش‌تر گفته بود ۱۰ ساعت روی صندلی گریم می‌نشست تا به یک هیولای غیرقابل تشخیص با پوستی وصله‌دار بدل شود.

دل تورو، نویسنده مکزیکی، آخرین بار با فانتزی سیاه «شکل آب» در سال ۲۰۱۷ در ونیز حضور داشت که برنده شیر طلایی شد و پس از آن ۴ جایزه اسکار از جمله بهترین فیلم و کارگردانی را از آن خود کرد. «فرانکنشتاین» از ۱۷ اکتبر در سینماها و از ۷ نوامبر در تفلیکس نمایش داده می‌شود. این کارگردان در کنفرانس مطبوعاتی فیلم در ونیز که بعداً ظهر شنبه برگزار شد به شوخی گفت: من از پچی این موجود را دنبال می‌کردم و حالا که ساخت فیلم تمام شده دچار افسردگی پس از زایمان شده‌ام!

تمجید از چان ووک

نقد‌ها برای جدیدترین فیلم پارک چان ووک با عنوان «انتخاب دیگری نیست» که به تازگی در جشنواره فیلم ونیز برای اولین بار به نمایش درآمد، مثبت بود و منتقدان یک‌صدا به تمجید این فیلم پرداختند. فیلم «انتخاب دیگری نیست» جدیدترین فیلم پارک چان ووک که اقتباسی آزاد از رمان «تیر» نوشته دونالد ای. وست‌لیک است، داستان مردی میانسال به نام مان سو را روایت می‌کند که پس از اخراج غیرمنتظره از شرکت کاغذی که ۲۵ سال در آن کار کرده بود، مصمم به دنبال کار می‌گردد. در حالی که گفته شده این فیلم احتمالاً بهترین فیلم جشنواره تاکنون است واقعاً تحسین بیشتر منتقدان را برانگیخته و از آن به عنوان یک کمدی خیره‌کننده یاد شده که در حد یک مسترکلاس در هرج و مرج کنترل شده است.

پشیمانی جارموش

جدیدترین فیلم کیت بلانشت با عنوان «پدر مادر خواهر برادر» از فیلمساز مستقل جیم جارموش، یک‌شنبه شب در جشنواره فیلم ونیز به نمایش درآمد و تماشاگران ۵ دقیقه ایستاده تشویقش کردند. بلانشت که در این داستان روزمره درباره سه خانواده متفاوت، نقش دو خواهر را در کنار ویکی کریس بازی می‌کند، در سالن بزرگ جشنواره فیلم ونیز هنگام تشویق پرشور تماشاگران با لبخند می‌درخشید.

جیم جارموش در نشست رسانه‌ای فیلم جدیدش، «پدر مادر خواهر برادر» در ونیز گفت از بودجه‌ای که موبی، پخش‌کننده فیلمش از سکویا کپیتال، شرکت فن‌آوری همکار ارتش اسرائیل، دریافت کرده بسیار ناامید و پریشان احوال شده است. او گفت: «من یک فیلمساز مستقل هستم و از منابع مختلفی برای ساخت فیلم‌هایم پول می‌گیرم. من تقریباً پول همه شرکت‌ها را پول کثیف می‌دانم. اگر شروع به کندوکاو درباره هر یک از این شرکت‌های فیلمسازی و ساختار مالی‌شان کنید، کلی چیزهای کثیف پیدا خواهید کرد! خب می‌توانستم از اینها اجتناب کنم و اصلاً فیلم نسازم اما سینما، راهی است که برای بیان ایده‌هایم انتخاب کردم. بله من نگران این رابطه مالی شدم اما چیزی که دوست ندارم این است که شما، هنرمندان را مسئول توضیح این اتفاق می‌دانید، در حالی که موبی و شرکت‌های دیگر باید درباره این منابع مالی توضیح بدهند.»

جشنواره فیلم ونیز به یکی از بزرگ‌ترین کانون‌های اعتراضی بدل شد که تاکنون در یک رویداد بزرگ سینمایی در اعتراض به حمله نظامی مداوم اسرائیل به غزه برگزار شده است. شنبه هزاران نفر، پیر و جوان شامل مهمانان جشنواره و عموم مردم در یک راهپیمایی بزرگ در ونیز شرکت کردند تا محکومیت رژیم صهیونیستی را فریاد بزنند و خواستار پایان دادن به نسل‌کشی در غزه شوند. در میان دریایی از پرچم‌های فلسطین، شعارهای «فلسطین آزاد» سر داده شد و بنرهای «صلح» به اهتزاز درآمد و موسیقی فلسطینی از بلندگوها پخش شد.

این اعتراض که با حمایت گروه‌ها، انجمن‌ها و سازمان‌های متعددی ترتیب داده شده بود با این هدف شکل گرفت تا اطمینان دهد، جشنواره ونیز موضعی آشکار و عمومی در قبال کشتار در غزه دارد و به عنوان یک پلتفرم در برابر غزه می‌ایستد.

برگزارکنندگان پیش از شروع جشنواره در بیانیه‌ای گفته بودند: جشنواره فیلم ونیز نباید رویدادی جدا از واقعیت باقی بماند بلکه باید به فضایی برای محکوم کردن نسل‌کشی انجام شده توسط اسرائیل، همدستی دولت‌های غربی و ارائه حمایت ملموس از مردم فلسطین بدل شود. از همین روی حضور چشمگیر شرکت‌کنندگان غیرقابل انکار بود و پلیس جاده‌های اصلی لیدو را بسته بود تا راهپیمایی به آرامی به سمت منطقه اصلی جشنواره هدایت شود.

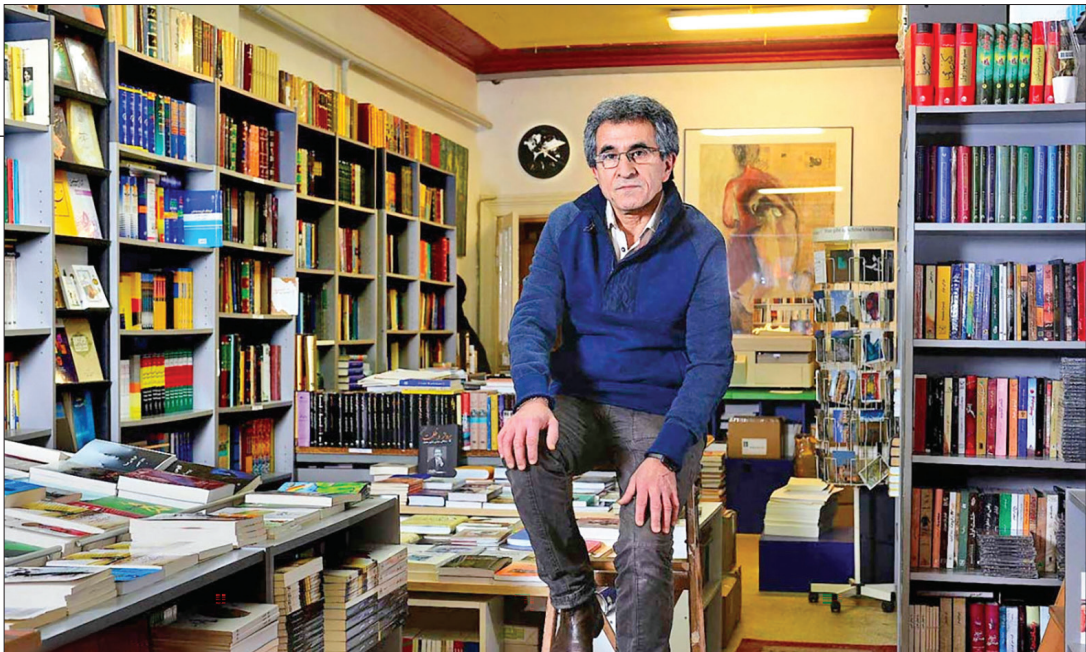
در بیانیه حامیان غزه آمده است: در غزه، بیمارستان‌ها، مدرسه‌ها و اردوگاه‌های پناهندگان بمباران می‌شوند، غیرنظامیان از غذا و آب محروم می‌شوند، روزنامه‌نگاران و پزشکان کشته می‌شوند، کشتی‌های بشردوستانه مانند ناوگان آزادی توقیف می‌شوند. در عین حال در کرانه باختری، آپارتاید و خشونت شهرک‌نشینان بی‌وقفه ادامه دارد. اشغال دائمی غزه توسط دولت اسرائیل نشان‌دهنده، تشدید است که از حد انسانی و قوانین بین‌المللی فراتر رفته است.

همچنین در بیانیه گفته شده است: ایتالیا و اروپا با تأمین تسلیحات، توافقات اقتصادی و حمایت دیپلماتیک در این وحشی‌گری همدست هستند. زمان آن رسیده است که قتل‌عام را متوقف کنیم: نسل‌کشی را متوقف کنید، فروش اسلحه را متوقف کنید، همدستی غرب را متوقف کنید.

با افزایش محکومیت بین‌المللی حملات رژیم صهیونیستی اسرائیل علیه غزه و افزایش تعداد کشته‌شدگان غیرنظامی، جشنواره فیلم ونیز که معمولاً کمتر جنبه سیاسی دارد به یکی از پر سر و صداترین جشنواره‌ها تبدیل شد و معترضان با پرچم‌های فلسطین در دست، بنری را در برابر دفتر مرکزی جشنواره نصب کردند که رویش نوشته شده بود: «فلسطین را آزاد کنید. نسل‌کشی را متوقف کنید».

دل تورو ونیز را به وجد آورد

فیلم «فرانکنشتاین» گی‌رمی دل تورو شب پیش (شنبه شب) با تشویق ایستاده ۱۳ دقیقه‌ای که طولانی‌ترین تشویق ایستاده در طول تاریخ است، ونیز را به وجد آورد. در این فیلم اسکار آیزاک، که نقش دانشمند دیوانه را بازی می‌کند و جیکوب لوردی، که مخلوق هیولایی اوست، توانستند جلوی اشک‌هایشان را بگیرند. این فیلم علمی-تخیلی گوتیک که در بخش رقابتی برای شیر طلایی حضور دارد، تصویری جدید از رمان ترسناک کلاسیک مری شلی در سال ۱۸۱۸ است که داستان دانشمندی را روایت می‌کند که به



سمفونی عباس

عباس معروفی سال ۱۳۵۵ در مسابقه داستان‌نویسی مجله «کیهان نوجوانان» شرکت کرد و مقام اول را به دست آورد و یک سال پس از ملاقات با سپانلو (۱۳۵۹) اولین داستان کوتاه خود را با نام «روبه‌روی آفتاب» منتشر کرد اما با انتشار «سمفونی مردگان» (۱۳۶۷) بود که نامش به عنوان نویسنده تثبیت شد و سال ۲۰۰۱ برنده جایزه بنیاد ادبی فلسفی «سورکامپ» آلمان شد. معروفی کتاب «نام تمام مردگان یحیاست» را سال ۱۳۹۷ منتشر کرد، زمانی که ۶۱ ساله بود. قرار بود آن را به دوست دیرینش، محمدعلی سپانلو، تقدیم کند اما در مقدمه کتاب از زندگی‌اش و بلاهایی می‌گوید که بر سرش آمده و پیش از انتشارش سپانلو درگذشت. در نهایت این کتاب را با این نوشته به یچ‌ها تقدیم کرده است: «نوشتن این رمان ۳۰ سال طول کشید. با آن عاشقی کردم، گریستم، نوشتم و خوش بودم. با اجازه سپان، این رساله عشق را به یچ‌ها تقدیم می‌کنم. «بی‌خود ترس ای بچه تنها نام تمام مردگان یحیاست». «سمفونی مردگان» که معروفی برای نوشتن آن از تکنیک جریان سیال ذهن استفاده کرده در مورد خانواده‌ای ۶ نفره است که در اردبیل سکونت دارند و تمام داستان در این شهر اتفاق می‌افتد و یک حادثه را از منظر چند ناظر روایت می‌کند. شخصیت اصلی داستان شاعر جوانی است که گرفتار خشم پدر سنتی خود می‌شود. معروفی در این کتاب در دسرهای یک روشن‌فکر سال‌های ۱۳۱۰ تا ۱۳۳۰ را از منظر دید چند شخصیت مختلف داستان روایت می‌کند. جابر اورخانی یک بازاری متمول و بسیار سخت‌گیر و متعصب است که صاحب سه پسر و یک دختر است. پسر ارشد او که یوسف نام دارد در خلال جنگ جهانی دوم فکر پرواز به سرش می‌زند و خود را از پشت بام به پایین می‌اندازد و فلج می‌شود. پس از یوسف چشم امید پدر به آیدین دومین فرزند خانواده است اما آیدین فردی روشن‌فکر است. شب‌ها کتاب می‌خواند و گاهی شعر می‌نویسد و علاقه‌مند به ادامه تحصیل است و نمی‌خواهد، شغل

خرمگس است و ای کاش نماهای کلوزآپی که از خرمگس نشان می‌دهند در روند داستان کمک می‌کرد. حدود ۱۰، ۱۲ سال گذشته یک بار «رضا عطاران»، سلطان آثار کمدی گفته بود: «برای خنداندن مردم حتی حاضریم، شلوارم را در بیاورم» که البته در سریال «اجل معلق» که در حال حاضر از پلتفرم «فیلمنت» در حال پخش است، این کار را هم کرد حالا «بهرام افشاری» عجله دارد و همین کار را در این فیلم انجام می‌دهد. وی متأسفانه همان تیپ‌های تکراری را بازی می‌کند که در سایر آثار قبلی، بازی کرده بود اما این تکرار نه تنها جذابیتهی ندارد که باعث می‌شود، فیلم در سطحی پایین‌تر از آثار قبلی‌اش بایستد. دیالوگ‌های فیلم حوصله‌بر و بیشتر برای پر کردن زمان است و همه آنها یک ویژگی بارز دارند: نخنما و کلیشه‌ای‌اند. دیالوگی که در فضای مجازی با آن بارها شوخی می‌شود، «من باختیم» از سوی «بهرام افشاری»، کارکرد طنزش را در «مرد عینکی» از دست داده و باید گفت در کل این شما بودید که با عرضه کردن چنین اثری باختید. با این قصه بی‌جان، شکست فیلم مشخص بود با این حال هر آن چیز دم‌دستی از جمله کشورهای مختلف، سواحل طبیعی زیبا، زن خارجی و البته مو بلوند، مثلث عشقی و حتی حضور رضا چلنگر و شوخی‌های دم‌دستی با وی که در فیلم برای خنداندن گنجانده شد اما هیچ‌یک از اینها ثمری ندارد و مخاطب، ناراضی از تماشای فیلم، سالن را ترک می‌کند چراکه «مرد عینکی» نه تنها داستان ندارد که شوخی‌هایش قدیمی، تکراری، مبتذل و مایه شرمساری است. بعد از سال‌ها روانه کردن فله‌ای فیلم‌های کمدی به سینماها، فیلمسازان آثار کمدی نمی‌دانند چه موتیف‌هایی باعث خنده و سرگرمی می‌شود و گویا هر چقدر هم تلاش کنند که با شگردهای مختلف یک فیلم کمدی‌تر و تمیز متوسط بسازند، تلاش‌شان نافرجام است. از آنجا که سازندگان می‌دانند، آثار کمدی برای مخاطب هیچ اندیشه‌ای را به ارمان نمی‌آورد و تنها برای سرگرمی تماشا می‌شود از این‌رو هر فیلم بی‌مایه‌ای بدون قصه جمع‌وجور را به اسم کمدی می‌سازند. کلافه کردن مخاطب در حین ۱۱۰ دقیقه تماشای «مرد عینکی»، توهین بارز است هر چقدر هم بخواهد فروش کند و در گیشه فریاد بزند که من دیده شده‌ام، یک فیلم شکست‌خورده تلقی می‌شود.

است. فیلم درباره مردی به نام «حلیم رایگان» است که شغل‌اش تمیز کردن سرویس‌های بهداشتی پارک است که ناگهان مخاطب متوجه می‌شود، او تروریستی معروف و خطرناک به نام گرگ «wolf» است که «پنتاگون» برای دستگیری‌اش ۳۰ میلیون دلار جایزه تعیین کرده است. این گرگ چه نوع تروریستی است که پنج میلیون دلار بیش از دستگیری «اسامه بن لادن»، جایزه برایش تعیین شده است؟ از همین خرده‌پیرنگ می‌توان متوجه شد، فیلم از اساس دچار خودپنداری نارسبستی است و فیلمنامه در آن گم شده است. روایت انسجام ندارد، در کل نه سر دارد نه ته. این فیلم به اصطلاح کمدی-اکشن حتی ضرابهنگ هیجانی هم ندارد فقط چیزی که از پرده سینما می‌توان دید، یک سری حرکات عجیب و غریب از نقش اول فیلم، «بهرام افشاری» به همراه سر و صداهای فراوان است. «امینی» به جای آنکه حداقل روی شخصیت‌پردازی و بداهه‌گویی‌های «بهرام افشاری» کار کند از او فقط یک تیپ ساخته که آدا درمی‌آورد و همه چیز را به سخره می‌گیرد از نامش گرفته تا نوع صحبت کردنش با الفاظ ناپسند که دائم در حال کشتن



دیدگاه:یادداشت اقتصادی

فاقد نظریه، روشن

آیا دولت چهاردهم نظریه دارد؟

سعید مشهوری
تحلیل‌گر اقتصاد

یکی از دلایل ناکامی مطلق دولت سیدابراهیم رئیسی از نظر اقتصاددانان، نداشتن نظریه واضح و روشن در زمینه اقتصاد، دیپلماسی و سیاست داخلی بود. اقتصاددانان بارها گفتند: دولت رئیسی فاقد نظریه است. به عقیده اقتصاددانان؛ هر دولتی که نظریه نداشته باشد، نمی‌تواند امور را در یک چارچوب مشخص پیش برد. آیا دولت مسعود پزشکیان نظریه اقتصادی دارد؟ نظریه کلان دولت چهاردهم در باره مسائل ایران چیست؟

دولت پزشکیان کار خود را در شرایطی آغاز کرد که با چالش‌های عمیق اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مواجه بود از جمله تورم بالا (از ۳۲ درصد در مرداد ۱۴۰۳ به ۴۱ درصد در مرداد ۱۴۰۴)، کسری بودجه، ناترازی در منابع انرژی و فشارهای خارجی ناشی از تحریم‌ها و تنش‌های منطقه‌ای. پزشکیان در تبلیغات انتخاباتی خود بر مفاهیمی مانند عدالت، انصاف و بهبود معیشت مردم تأکید داشت و دولت را مسئول ایجاد تورم و گرانی معرفی کرد. او وعده‌هایی مانند تک‌نرخی کردن ارز، آزادسازی واردات خودرو و اصلاح نظام یارانه‌ها را مطرح کرد که نشان‌دهنده تمایل به رویکردهای بازارمحور و کاهش مداخله دولت در برخی حوزه‌هاست. در حوزه سیاست خارجی، پزشکیان در مقاله‌ای با عنوان «پیام من به جهان جدید» بر حفظ عزت ملی، ایجاد تعادل در روابط با کشورها و تقویت همکاری‌های منطقه‌ای تأکید و سیاست خارجی را بر پایه «عزت، حکمت، و مصلحت» تعریف کرد. این نشان‌دهنده رویکردی عمل‌گرایانه برای کاهش تنش‌ها و بهبود روابط اقتصادی با همسایگان است اما به نظر می‌رسد هنوز به یک نظریه دیپلماتیک جامع تبدیل نشده است. او همچنین از مذاکره برای رفع تحریم‌ها حمایت کرده، هرچند این موضوع به تصمیم‌گیری در سطوح بالاتر نظام بستگی دارد. در حوزه سیاست داخلی پزشکیان بر وفای ملی، کاهش شکاف بین دولت و ملت و افزایش مشارکت جریان‌های سیاسی مختلف تأکید دارد. او وعده داد که از همه گروه‌ها و جریانات سیاسی صرف‌نظر از گرایش‌هایشان استفاده کند و به مسائل اقلیت‌ها، زنان و جوانان توجه ویژه‌ای نشان دهد. مخالفت او با فیلترینگ سخت‌گیرانه اینترنت و اجرای سخت‌گیرانه قانون حجاب نیز نشان‌دهنده رویکردی لیبرال‌تر در حوزه اجتماعی است. با این حال برخی منتقدان معتقدند که دولت او گرفتار «تسویف» شده و در مسائل کلان هنوز به اقدامات قاطع دست نزده است.

در مجموع، دولت پزشکیان در یک سال اول فعالیت خود بیشتر درگیر مدیریت بحران‌های فوری مانند جنگ ۱۲ روزه با اسرائیل و آمریکا، ترور اسماعیل هنیه و فشارهای اقتصادی بوده است. این شرایط، فرصت تدوین و اجرای یک نظریه کلان را محدود کرده و دولت را به سمت اقدامات واکنشی سوق داده است.

به نظر می‌رسد، دولت پزشکیان تلاش دارد تا با تکیه بر کارشناسی، انسجام ملی و اصلاحات تدریجی به سمت حل مشکلات حرکت کند. اما تا زمانی که این تلاش‌ها به یک نظریه منسجم و قابل اجرا تبدیل نشود، نمی‌توان ادعا کرد که دولت چهاردهم دارای یک نظریه کلان مشخص است. عملکرد آینده دولت به‌ویژه در حوزه‌هایی مانند مدیریت تورم، اصلاح یارانه‌ها و مذاکرات خارجی می‌تواند، نشان‌دهنده شکل‌گیری یا عدم شکل‌گیری چنین نظریه‌ای باشد.



توسعه

بررسی تحولات اقتصادی

موانع تک‌نرخی شدن ارز

چرا بانک مرکزی موافق تک‌نرخی شدن ارز نیست؟

فریده اسکندری
گروه اقتصاد

در نشست اخیر شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی، دولت و بانک مرکزی مکلف شدند با هدف تقویت تولید ملی و کاهش نوسانات ارزی، سیاست‌های لازم برای تک‌نرخی کردن ارز و اجرای نظام شناور مدیریت شده را تدوین و اجرا کنند. اما به نظر می‌رسد بانک مرکزی با تک‌نرخی شدن ارز مخالف است و تحریم‌ها، ناپایداری درآمدها، تقاضاهای متنوع ارزی، ساختار چندنرخي بازار و اختلافات سیاستی را از موانع اصلی تک‌نرخی شدن ارز می‌داند. محمدرضا فرزین در دیدارهای خصوصی گفته: «با سخت‌تر شدن شرایط و تگ‌تر شدن حلقه تحریم‌ها، نمی‌توانیم سیاست ارز تک نرخی را دنبال کنیم چراکه تجارت ما هم تجارت متقارنی نیست. هر یک از اقتصادهای دنیا با ریسک‌های متفاوت مواجهند و تجارت ما هم بر همین مبنا با آن اقتصادها ریسک‌های متفاوت دارد. در این شرایط ما مجبور می‌شویم از سیاست‌های تبعیضی برای پیشبرد امور بهره گیریم.»

با این توضیح به نظر می‌رسد، وزارت امور اقتصادی و دارایی موافق تک‌نرخی شدن ارز است اما بانک مرکزی با آن مخالفت می‌کند، چه موانعی سر راه تک‌نرخی شدن ارز وجود دارد؟

اقتصاددانان می‌گویند، تک‌نرخی شدن ارز در ایران با موانع متعددی مواجه است که از اظهارات رئیس کل بانک مرکزی و شرایط اقتصادی کشور قابل استنباط است. اولین مانع، تحریم‌های اقتصادی است که دسترسی ایران به منابع ارزی و بازارهای بین‌المللی را محدود کرده

ادامه یادداشت روز

عصر جدید، پارادایمی نو

دروخور توجه است، پراکنده کاری در احداث نیروگاه‌های خورشیدی و بادی و عدم توجه به زیرساخت‌های لازم در درازمدت، صدمات جبران‌ناپذیری به مسیر انرژی کشور وارد می‌کند. سیاست‌ها باید به نحوی تنظیم شود تا سرمایه‌گذاران متضرر نشوند و با گذشت زمان، توجیه اقتصادی نیروگاه‌ها حفظ شود. در غیر این صورت پس از مدتی ممکن است برخی نیروگاه‌ها بدل به گورستان پهل‌های خورشیدی و... شوند.

توانیر با قیمت مناسب، انرژی پایه مشترکین خرد را تأمین و در صورت نیاز بیشتر، مصرف کنندگان برق مزاد را با قیمت رقابتی از شرکتهای محلی یا ملی تهیه خواهند کرد.

همه صنایع بزرگ و متوسط کشور، ملزم می‌شوند برق مورد احتیاج خود یا افزون بر آن را در صورت مستقیم سرمایه‌گذاری یا ترجیحا با مشارکت و گرفتن سهام از شرکت‌ها و پروژه‌های بزرگ انرژی پاک تأمین کنند. (بدین‌سان همه صنایع مستقلا برق پایدار و با قیمت قابل قبول خواهند داشت)

روستاها و شهرهای کوچک می‌توانند، برق مورد نیاز خود را منفک از شبکه سراسری به صورت محلی از شرکت‌های کوچک‌تر منطقه‌ای تهیه کنند. مثلا برق چند شهرک و روستا یا شهر کوچک با یک نیروگاه خورشیدی یا بادی و شبکه مختص خودشان به سادگی تولید می‌شود. برای این منظور حتما باید از فن‌آوری‌های ذخیره انرژی چون باتری‌ها و... جهت مدیریت نوسانات بهره جست، در پارادایم جدید، روستاها می‌توانند بدل به یکی از ارکان تولید انرژی پاک در ایران شوند.

همان‌طور که در مورد قبلی اشاره شد، ضروری است جهت مدیریت نوسانات و پایداری برقی تجدیدپذیرس، آخرین فن‌آوری‌های ذخیره‌سازی به کار گرفته شود. برای پایداری و کارآمدی بیشتر شبکه به کارگیری «سیستم‌های هیبریدی» (ترکیب دو یا چند فن‌آوری تولید انرژی) توصیه می‌شود.

یک هدف بلندپروازانه ولی منطقی برای چشم‌انداز ۱۰ و ۲۰ ساله کشور مشخص شود. مثلا ایجاد ظرفیت ۵۰ یا ۶۰ هزار مگاوات متمرکز و غیرمتمرکز (توزیع‌شده تجدیدپذیر و...) تا سال ۲۰۳۳ (عمدنا خورشیدی سپس بادی) گفتنی است بر پایه گزارش‌های مؤسسات جهانی (Ember,IEA,IRENA) در سال ۲۰۲۴ مجموعا افزون بر ۷۰۰ گیگاوات ظرفیت جدید خورشیدی و بادی در جهان نصب شده است و پیش‌بینی‌ها برای ۲۰۲۵ مجموعا بیش از ۸۰۰ گیگاوات خواهد بود. پاکستان فقط در سال ۲۰۲۴ حدود ۱۷ گیگاوات پنل خورشیدی وارد کرده است. در چین سال ۲۰۲۴ به طور متوسط روزانه قریب ۱۰۰۰ مگاوات (یک گیگاوات) ظرفیت جدید خورشیدی و بادی نصب شده است. نتیجتا اعداد فوق نشان می‌دهد تحت یک سازمان‌دهی کارآمد، می‌توان به رکوردهای مناسبی دست یافت.

تعدادی هم «مگا پروژه» در سطح ملی مستقل از شهرک‌ها توسط بخش خصوصی طراحی و اجرا شود. (عمدتا خورشیدی و تعدادی مزارع بادی) بعضی از همین شرکت‌های بزرگ انرژی می‌توانند، شبکه توزیع خودشان را داشته باشند.

است. این محدودیت‌ها باعث شده، تجارت خارجی ایران نامتقارن باشد و امکان مدیریت یکسان نرخ ارز برای همه بخش‌ها وجود نداشته باشد. به دلیل تفاوت در ریسک‌های تجاری با کشورهای مختلف، بانک مرکزی ناچار است از سیاست‌های ارزی متفاوتی استفاده کند که با نظام تک‌نرخي سازگار نیست.

دومین مانع، ناپایداری درآمدهای ارزی ناشی از صادرات نفت و غیرنفتی است. نوسانات درآمدی و عدم اطمینان از جریان ورودی ارز، توانایی بانک مرکزی برای تثبیت نرخ ارز در یک سطح مشخص را کاهش می‌دهد. در نظام شناور مدیریت شده، بانک مرکزی باید ذخایر ارزی کافی برای مداخله در بازار و کنترل نوسانات داشته باشد اما محدودیت‌های ارزی این ظرفیت را تضعیف می‌کند.

سومین چالش، وجود تقاضاهای متنوع و اولویت‌دار برای ارز در اقتصاد ایران است. بخش‌های مختلف مانند واردات کالاهای اساسی، مواد اولیه تولید و سایر نیازها نیازمند تخصیص ارز با نرخ‌های متفاوت هستند. تک‌نرخی شدن ارز ممکن است به توزیع نابرابر منابع ارزی منجر شود و برخی بخش‌های حیاتی را تحت فشار قرار دهد.

چهارمین مانع، ساختار چندلایه بازار ارز در ایران است. وجود بازارهای رسمی و غیررسمی و شکاف قیمتی بین آنها، اجرای سیاست تک‌نرخي را دشوار می‌کند. این شکاف قیمتی انگیزه‌های سوداگری را افزایش داده و می‌تواند به التهابات ارزی دامن بزند.

در نهایت، اختلاف‌نظر بین نهادهای سیاست‌گذار مانند وزارت اقتصاد و بانک مرکزی نیز خود مانعی سیاستی است. وزارت اقتصاد احتمالا به دنبال شفافیت و پیش‌بینی‌پذیری اقتصادی از طریق تک‌نرخي شدن است اما بانک مرکزی با توجه به واقعیت‌های عملیاتی و محدودیت‌های موجود، این سیاست را در شرایط کنونی غیرعملی

شبکه توزیع خصوصی در کنار توانیر به تدریج تأمین برق کشور به ویژه در بخش صنایع بزرگ، متوسط، تجاری و... را دست خواهد گرفت. دولت نیز بر نظارت و تنظیم مقررات و ایجاد زیرساخت‌های لازم تمرکز می‌کند. از جمله اجرای سیاست‌های تسویقی و حمایتی چون قراردادهای خرید تضمینی.

دولت فعلا حوزه انرژی‌های پاک را از مالیات و عوارض معاف نماید. (با تنظیم مقررات به‌روز و استاندارد)

آخرین فن‌آوری‌های نوین، شناسایی و سرمایه‌گذاری شود. از جمله پنل‌های جدید دوطرفه، سیستم‌های ذخیره انرژی چون انواع باتری و... برای نمونه در زمینه تکنولوژی‌های نو، استارت‌آپ‌هایی چون space solar بریتانیایی بر پایه انرژی خورشیدی فضاپایه در حال توسعه فن‌آوری‌های استفاده از انرژی خورشیدی در فضا و انتقال بی‌سیم آن به زمین هستند. فاز نخست پروژه تا ۲۰۳۰ در ایسلند اجرایی می‌شود. پیش‌بینی می‌شود در نهایت این تکنولوژی از توربین‌های بادی ارزان‌تر شود. چنین فن‌آوری‌هایی ممکن است در آتیّه به کار آید و می‌توان در آنها سرمایه گذاری حساب شده، کرد. تأمین منابع مالی پروژه‌های بزرگ و متوسط با ساختاری نوین.

موازی با شهرک‌های انرژی پاک، مگاپروژه‌ها و پروژه‌های متوسط، «سیاست‌های غیرمتمرکز انرژی توزیع شده» به شدت حمایت شود. (distributed Energy resources) این سیاست‌ها شامل مجموعه‌ای از خط‌مشی‌ها و اقداماتی است که هدف‌شان پشتیبانی از تولید، ذخیره‌سازی و مدیریت انرژی در مقیاس کوچک و محلی به جای وابستگی به سیستم‌های متمرکز تأمین انرژی (مانند نیروگاه‌های بزرگ) است. سیاست‌های مذکوره به منظور افزایش پایداری، کاهش انتشار کربن، بهبود تاب‌آوری و انعطاف‌پذیری شبکه‌های انرژی و توانمندسازی مصرف‌کنندگان طراحی شده‌اند. تعرفه‌های خوراک به شبکه (Feed-in tariffs) شبیه آلمان، اعتبارات مالیاتی، یارانه‌ها و وام‌های کم بهره از جمله مشوق‌های مالی سیاست‌های مزبور هستند. همچنین ایجاد قابلیت کنتورهای دوطرفه هوشمند (bidirectional me-ters) و «نت مترینگ» (net metering) تا مشترکین و مصرف‌کنندگان بتوانند، برق اضافی تولید شده توسط سیستم‌های خورشیدی و بادی خود را به شبکه تزریق و در قیوض خود اعتبار کسب کنند. (مانند استرالیا و آمریکا) بدین‌سان برای بهره‌گیری از انرژی پاک، تشویق و هز این‌همه‌ای انرژی‌شان نیز کاسته می‌شود. قابل ذکر است، سیستم نت مترینگ موجب تقویت مفهوم شهروندی و مشارکت فعال شهروندان در تولید انرژی کشور می‌شود. از دیگر اقدامات لازم در جهت گسترش شبکه‌های غیرمتمرکز انرژی توزیع شده، می‌توان به ایجاد جوامع انرژی(دستورالعمل بازار برق اتحادیه اروپا، میکروشبکه‌ها(کالفرنیا و ژاپن)، بازارهای انرژی محلی(هلند) و دیجیتال‌سازی و مدیریت هوشمند اشاره کرد.

آخرین مورد در راستای تقویت راهبرد انرژی توزیع شده، نیروگاه‌های مجازی (virtual power plants) هستند. نیروگاه مجازی پانفرمی است که

می‌داند. این عدم هماهنگی می‌تواند، اجرای سیاست‌های منسجم را دشوارتر کند.

چشم‌انداز تک‌نرخي شدن ارز در ایران به دلیل شرایط پیچیده اقتصادی و سیاسی با ابهامات و چالش‌های متعددی مواجه است. از یک سو، تک‌نرخي شدن ارز می‌تواند شفافیت اقتصادی را افزایش دهد، رانت‌های ناشی از چندنرخي بودن را حذف کند و پیش‌بینی‌پذیری را برای فعالان اقتصاد، بهبود بخشد. این امر به‌ویژه برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی و تقویت تولید ملی مفید است، اهدافی که وزارت اقتصاد احتمالا به دنبال آنهاست. نظام شناور مدیریت‌شده، در صورت اجرا، می‌تواند به بانک مرکزی اجازه دهد تا با مداخلات محدود، نوسانات ارزی را کنترل کند و در عین حال از فشار بر ذخایر ارزی بکاهد.

اظهارات رئیس کل بانک مرکزی نشان‌دهنده موانع جدی در مسیر این سیاست است. تحریم‌های بین‌المللی، محدودیت دسترسی به منابع ارزی و تجارت نامتقارن، توانایی ایران برای حفظ یک نرخ ارز ثابت و یکسان را کاهش داده است. در شرایطی که جریان ورودی ارز ناپایدار است و تقاضاهای متنوعی برای تخصیص ارز وجود دارد، بانک مرکزی برای مدیریت منابع محدود خود به سیاست‌های تبعیضی و چندنرخي متکی است. این رویکرد، هرچند شفافیت را کاهش می‌دهد اما به بانک مرکزی امکان می‌دهد تا نیازهای اولویت‌دار مانند واردات کالاهای اساسی را تأمین کند.

با توجه به تداوم تحریم‌ها و عدم اطمینان از بهبود درآمدهای ارزی، احتمال حرکت به سمت ارز تک‌نرخي ضعیف است. اما اگر شرایط بین‌المللی بهبود یابد و ایران بتواند به بازارهای جهانی بازگردد، احتمال اجرای موفق نظام تک‌نرخي با مدیریت شناور افزایش می‌یابد.

مجموعه‌ای از منابع انرژی توزیع شده مانند پنل‌های خورشیدی، توربین‌های بادی کوچک، سیستم‌های ذخیره‌سازی انرژی) باتری‌ها (وسایل تغلیه الکتریکی و فناوری‌های مدیریت تقاضا (Demand Response) را از طریق نرم‌افزارهای پیشرفته، فناوری‌های دیجیتال، هوش مصنوعی و... به‌صورت یکپارچه هماهنگ و مدیریت می‌کند. این سیستم‌ها بدون نیاز به زیرساخت فیزیکی در مقیاس بزرگ شبیه یک نیروگاه متمرکز سنتی عمل می‌کنند. نیروگاه‌ای مجازی (VPP) قادرند خدماتی چون تنظیم فرکانس، مدیریت اوج بار و عرضه برق را ارائه دهند. در استرالیا پروژه‌هایی مانند AGL'sVirtual Power Plant از باتری‌های خانگی تسلا برای ایجاد شبکه‌ای غیرمتمرکز استفاده می‌کنند.

اساسا انرژی کشور باید غیرمتمرکز، رقابتی و غیردولتی مدیریت شود. (دولت نقش سیاست‌گذاری، تسهیل‌کننده و ناظر خواهد داشت)

حقیقتا تا سال ۲۰۳۳ با تحقق اصلاحات ساختاری و اعمال مدیریتی نوین می‌توانیم به صادرکننده برق بدل شویم. همچنین با گسترش انرژی‌های نو از تعداد نیروگاه‌های گازی نیز بکاهیم. همه اینها و بلکه بیشتر در سایه بازآفرینی سیاست‌های انرژی کشور قابل انجام خواهد بود و مسلما برای نبل به چنین هدف بلندی، ضروری است مدیریتی کاملا یکپارچه و همساز اعمال شود.

ساختار بروکراسی دولتی در زمینه انرژی باید به کل متحول شود. وزارت انرژی با ساختاری کوچک و کارآمد بر سیاست گذاری، نظارت، هماهنگی و تنظیم مقررات تمرکز کند. (وزارت نیرو و همه سازمان‌های دولتی به هر نحو مرتبط در وزارت‌خانه مزبور ادغام شوند. وزارت نفت و گاز با انرژی فسیلی جداگانه مدیریت و فرمی نو یابد. وزارت نفت می‌تواند، مبدل به نهادی مستقل و حرفه‌ای مثلا استحاله به شرکنی سهامی عام با سازماندهی بسیار مدرن شود)

در خصوص سیستم‌های غیرمتمرکز توزیع برق، می‌توان از تجربیات کشورهای چون ژاپن و بریتانیا بهره‌مند شد. در خاورمیانه هم بررسی اقدامات در دست اجرای دومی، عمان، اردن، عربستان، مصر و سایرین مفید است. مسلماً شبکه توزیع پیشرفته و هوشمند در کیفیت و پایداری برق، نقشی مهم ایفا می‌کند و انرژی‌های تجدیدپذیر بدون چنین شبکه‌ای کم اثر می‌شوند. بخشی از موفقیت کشورهای مانند سوئد، نروژ، آمریکا و چین مدیون همین موضوع بوده است.

در پایان شایسته توجه است برخلاف انتظار، توسعه انرژی‌های پاک به ایجاد فرصت‌های برابر به سوی شهروندان و تقویت «جامعه مدنی» و «دموکراتیزه» شدن جوامع، یاری می‌رسانند. انرژی‌های پاک نه فقط بشر را به طبیعت نزدیک‌تر می‌کنند بلکه دسترسی جوامع کمتر توسعه یافته به منابع انرژی را نیز تسهیل می‌کنند. همچنین با ظهور فن‌آوری‌های نوین چون هوش مصنوعی، شهرک‌های دیتاسنتری و... اهمیت تولید برق انبوه و پایدار فزونی می‌یابد. بر مبنای بعضی تخمین‌ها (گزارش ABI Re-search) مصرف انرژی مراکز هوش مصنوعی تا سال ۲۰۳۰ به بیش از دو هزار تراوات ساعت خواهد رسید. تولید انرژی فراوان، پایدار و ارزان از ارکان پارادایم دنیای نو است و برای تحقق آن، ساختار انرژی کشور باید «بازطراحی و بازآفرینی» شود. در صد سال اخیر مزیت ایران در جهان، انرژی فسیلی بوده و حال ناظر به عصر جدید، می‌توان این مزیت را در قالب «انرژی‌های تجدیدپذیر» بازتعریف کرد.



تبدیل شود. حادثه اخیر در نیروگاه ری نشان‌دهنده ضعف‌های جدی در مدیریت مخازن و سوخت این نیروگاه است. نخستین ضعف آشکار، فرسودگی زیرساخت‌هاست. بسیاری از مخازن ذخیره در این نیروگاه از دهه ۱۳۵۰ تاکنون در مدار بوده‌اند و عمر مفید بسیاری از آنها از پایان دوره طراحی گذشته است. در صورتی که این تجهیزات بازسازی یا نوسازی نشوند احتمال بروز مشکلات جدی همچون نشتی افزایش می‌یابد. دومین مشکل، نبود سامانه‌های پایش و هشدار مناسب است. در دنیای امروز استفاده از سنسورهای نشتی، سیستم‌های پایش فشار و دورین‌های حرارتی می‌تواند به سرعت نشت‌ها و مشکلات را شناسایی و هشدارهای لازم را به مسئولان بدهد. اما به نظر می‌رسد که مخزن آسیب‌دیده در نیروگاه ری فاقد چنین سیستم‌هایی بوده و یا هشدارهای آن نادیده گرفته شده است. سومین ضعف، کمبود فرهنگ ایمنی و مسئولیت‌پذیری در سطح کارکنان و مدیریت است. نشتی‌ای که به مدت ۹ ماه ادامه داشته، نشان می‌دهد که یا کارکنان از گزارش مشکل خودداری کرده‌اند یا مدیران از رسیدگی به موقع آن سر باز زده‌اند. نبود ساختار شفاف برای گزارش‌دهی و نظارت باعث شده که این اهمال‌ها به راحتی رخ دهند. در نهایت تعارض میان الزامات تولید و حفاظت از محیط‌زیست نیز به‌عنوان یکی از عوامل مؤثر در بروز این بحران مطرح است. در شرایط کمبود انرژی، فشار برای تولید برق مستمر و پایدار افزایش می‌یابد و ممکن است اولویت تعمیرات و نگهداری تجهیزات کاهش یابد.

میراث فرهنگی

تکرار یک اشتباه

چرا با وجود اثبات آسیب

قرار است در تخت جمشید کنسرت برگزار شود



مریم اطمیابی

روزنامه‌نگار حوزه میراث فرهنگی

کنسرت ارکستر فیلارمونیک ارمنستان قرار است ۱۵ شهریور در تخت جمشید برگزار شود. در حالی‌که روابط فرهنگی می‌تواند به تقویت دیپلماسی فرهنگی کمک کند و زمینه‌ساز تحکیم روابط ملت‌ها باشد اما برگزاری چنین رویدادهایی در مکان‌های تاریخی باید با دقت و بررسی‌های علمی همراه باشد. صرف اینکه تخت جمشید به‌عنوان نماد تمدن ایران شناخته می‌شود، نمی‌تواند به تنهایی دلیل کافی برای برگزاری کنسرت در این مکان باشد. در فاصله یک‌ساله از برگزاری کنسرت علیرضا قربانی در ۱۱ تیرماه ۱۴۰۳ و اعتراض‌ها به آسیب‌های احتمالی به این بنای تاریخی هنوز هیچ تحقیق علمی درخصوص تأثیرات آلودگی صوتی و ارتعاشات صوتی بر ابنیه تاریخی انجام نشده است. در این یک‌سال، آیا وزارت میراث فرهنگی و دیگر نهادهای مسئول بررسی‌هایی علمی درباره دسیبل‌ها، نوع ابزار صوتی، فاصله‌ها و اثرات ارتعاشات انجام داده‌اند؟ متأسفانه هیچ‌گونه پژوهش تخصصی و علمی در این زمینه منتشر نشده است. در گفت‌وگویی با دکتر علی تارمیغ، مهندس زلزله و متخصص معماری، او به مقالات پروفیسور عادل بینال، متخصص ترکیه‌ای، اشاره کرده است. این پروفیسور در تحقیقات خود اثرات نویز بر مصالح ساختمانی و آثار تاریخی را بررسی و توصیه کرده که دسیبل‌های بالای ۱۲۰ می‌توانند، باعث ترک‌های میکروسکوپی در سطوح سنگی شوند و در دسیبل‌های بالاتر (۱۶۰ دسیبل)، آسیب‌های جدی‌تری به بنا وارد می‌آید. پروفیسور بینال همچنین هشدار داده که برای جلوگیری از آسیب به بناهای تاریخی، منابع صوتی باید حداقل ۲۰۰ متر از بنا دور شوند و نباید رو به‌روی آن قرار بگیرند. علاوه بر این در چنین مکان‌های تاریخی باید از دستگاه‌های دسیبل‌سنج برای کنترل شدت صدا استفاده شود تا از هرگونه آسیب به آثار تاریخی جلوگیری شود. مطمئناً کشورهای نظیر ایتالیا و یونان تحقیقات گسترده‌ای در این زمینه انجام داده‌اند و برای برگزاری کنسرت‌های مشابه در سایت‌های تاریخی تأدیر دقیقی اتخاذ کرده‌اند. سؤال اصلی این است که آیا در ایران نیز این استانداردها رعایت می‌شود؟ آیا مسئولان مربوطه به این موضوع توجه دارند و تأثیرات احتمالی بر روی تخت جمشید مورد بررسی قرار خواهد گرفت؟ برگزاری چنین رویدادهایی بدون در نظر گرفتن این نکات می‌تواند، باعث آسیب به یکی از مهم‌ترین میراث‌های جهانی ایران شود.

حضور مأمور نیروی انتظامی در صحنه و عدم دخالت او یکی از نقاط تاریک این پرونده است. فلسفه وجودی پلیس جلوگیری از تنش و حمایت از شهروندان در برابر خشونت است. در حالی که سخنگوی فراجا از بازداشت عاملان خبر داده درباره بی‌عملی مأمور حاضر توضیحی ارائه نشده است. لازم است پلیس گزارش شفافی ارائه کند و مشخص شود آیا کوتاهی از وظیفه رخ داده یا خیر. همچنین آموزش مأموران انتظامی در مدیریت بحران و مهارت‌های میانجی‌گری می‌تواند، مانع از تکرار چنین حوادثی شود.

پنهان شدن پشت واژه «تقطیع شده»

شهردار قزوین در بیانیه‌اش تأکید کرد که ویدئو تقطیع شده است. اگرچه در بسیاری از موارد ویدئوها ممکن است گزینشی باشد اما تصاویر موجود به قدر کافی گویا بود: ضرب‌و‌شتم به کمک چوب و بی‌عملی پلیس. طرح این استدلال ممکن است تلاش برای کاستن از شدت واکنش‌ها تلقی شود. شفاف‌سازی کامل، انتشار فیلم کامل و ارائه گزارش دقیق از ماجرا بهترین راه برای اعتمادسازی است؛ زیرا پنهانکاری بیشتر افکار عمومی را بی‌اعتماد می‌کند.

تضاد میان قانون‌گرایی و خشونت

حادثهٔ قزوین نقطه تلاقی دو مطالبه است: مطالبهٔ شهروندان برای رفع سد معبر و حفظ حقوق عابران و مطالبهٔ دستفروشان برای کسب روزی. از یک سو، سد معبر می‌تواند ترافیک و آشفتنگی در شهر ایجاد کند و مردم از شهرداری می‌خواهند، مانع شود. از سوی دیگر، دستفروشی ناشی از بیکاری و مشکلات اقتصادی است. راه‌حل این تضاد، خشونت نیست؛ بلکه گفت‌وگو، تخصیص مکان‌های مشخص، صدور کارت فعالیت، ساماندهی بیمه و حمایت اجتماعی است. تجربه شهرهای دیگر نشان داده است که بازارچه‌های موقت، اجازه فعالیت در ساعات مشخص و اخذ عوارض اندک می‌تواند هم نظم شهری را تأمین و هم معیشت دستفروشان را حفظ کند.

ماجرای ضرب‌و‌شتم دستفروشان در قزوین، تنها یک حادثه موقتی نیست؛ بلکه آینه‌ای است که ضعف‌های مدیریتی، قانون‌گریزی و مشکلات اقتصادی جامعه را منعکس می‌کند. تصاویر منتشرشده از ضرب‌و‌شتم، بی‌عملی پلیس سپس واکنش سریع مسئولان، افکار عمومی را دوگانه کرد: از یک سو شهروندان خواستار نظم و جلوگیری از سد معبر هستند و از سوی دیگر نمی‌پذیرند که این خواسته به قیمت تحقیر و ضرب‌و‌شتم افراد کم‌بضاعت تمام شود.

قانون هستند برای پلیس غیرقابل قبول است و اعلام کرد که خاطیان با قید فوریت بازداشت شده‌اند. او تأکید کرد که پلیس برای عدالت می‌ایستد.

قانون چه می‌گوید؟

بر اساس تبصره یک بند دوم مادهٔ ۵۵ قانون شهرداری‌ها، سد معابر عمومی و اشغال پیاده‌روها و استفاده غیرمجاز از آنها ممنوع است و شهرداری موظف است نسبت به رفع سد معبر اقدام کند. این قانون برای حمایت از حقوق شهروندان و حفظ نظم شهری تصویب شده است اما همین تبصره تصریح می‌کند که شهرداری در اجرای آن نمی‌تواند به افراد آسیب بزند و باید صرفاً مانع را برداشته و در صورت لزوم پرونده را به مراجع قضایی ارجاع دهد؛ مجازات شهروندان صرفاً در صلاحیت دادگاه صالح است. (اصل ۳۶ قانون اساسی)

در نتیجه، اقدام پیمانکاران شهرداری قزوین کاملاً مغایر قانون و ناقض اصل منع خودسری است. دادستان قزوین نیز در اظهارات خود تأکید کرد که اقدام شهرداری برای رفع سد معابر در راستای مادهٔ ۵۵ انجام می‌شود اما درگیری پیش‌آمده خارج از چارچوب و مقررات بوده و باید با متخلفان برخورد قاطع شود. او یادآور شد که حفظ حقوق شهروندان، رعایت نظم و امنیت عمومی و صیانت از حقوق عامه از اولویت‌های قوه قضائیه است.

دستفروشی در بسیاری از شهرهای ایران، از جمله قزوین به یک منبع مهم درآمد برای اقشار کم‌درآمد تبدیل شده است. رشد سریع تورم، بیکاری و کاهش قدرت خرید موجب شده که افراد برای امرار معاش به فروش سیار روی بیاورند. این فعالیت اگرچه در مواردی موجب سد معبر می‌شود اما ناشی از ضعف ساختار اقتصادی و نبود فرصت‌های شغلی پایدار است. بنابراین برخورد قهری با دستفروشان بدون در نظر گرفتن ریشه‌های اقتصادی نه تنها مشکل را حل نمی‌کند بلکه بی‌اعتمادی و ناراضیاتی اجتماعی را افزایش می‌دهد.

مسئولیت پلیس!

یکی از نکات مهم این حادثه، حضور پیمانکار خصوصی به جای نیروهای رسمی شهرداری است. قراردادهای رفع سد معبر معمولاً به پیمانکاران سپرده می‌شود اما نظارت بر عملکرد آنها و آموزش رفتار مدنی گاه به فراموشی سپرده می‌شود. شورای شهر قزوین از شهرداری خواسته است، پیمانکار خاطی را عزل و پیمانکار دیگری را جایگزین کند.

نشتی فاجعه‌بار

نشتی ۹ ماهه نیروگاه ری

۷۸۰ هزار لیتر گازوئیل را وارد آب‌های زیرزمینی کرد

گروه اجتماعی: یک‌شنبه اعلام شد که دادگاه شهرستان ری، مدیرعامل

و رئیس هیات‌مدیره یکی از نیروگاه‌های گازی بزرگ کشور را به اتهام اهمال در انجام وظیفه و ائتلاف منابع ملی به یک سال حبس تعزیری و انفصال از مشاغل دولتی محکوم کرد. بر اساس گزارش قوه قضائیه، یکی از مخازن گازوئیل نیروگاه برق حرارتی شهرستان ری ۹ ماه تمام نشتی داشته و در این مدت بیش از ۷۸۰ هزار لیتر گازوئیل به هدر رفته و وارد قنات‌های اطراف شده که به آلودگی گسترده آب‌های زیرزمینی و خاک انجامیده است. این خبر در شرایطی منتشر می‌شود که کشور هنوز از بحران ناترازی انرژی، کمبود سوخت و فشار محیط‌زیستی ناشی از سوخت‌های فسیلی رنج می‌برد. نیروگاه گازی ری که در کیلومتر ۷ شهری و نزدیک پالایشگاه تهران قرار دارد، در سال ۱۳۵۶ بهره‌برداری شد و یکی از قدیمی‌ترین نیروگاه‌های کشور است. این نیروگاه دارای ۲۹ واحد توربین گازی در دو تپ مختلف با ظرفیت نامی ۴/۹۷۹ مگاوات است و در زمستان می‌تواند حدود ۶۳۰ مگاوات و در تابستان ۵۵۰ مگاوات برق تولید کند. سوخت اصلی واحدها گاز طبیعی و سوخت دوم گازوئیل است؛ این گازوئیل در ۷ مخزن ذخیره می‌شود که مجموع ظرفیت آنها حدود ۱۰۰ میلیون لیتر است. حوادث مربوط به مخازن این نیروگاه به‌دلیل حجم بالای سوخت و قرارگیری در نزدیکی شهرها و منابع آبی، می‌تواند آثار گسترده زیست‌محیطی و اقتصادی به‌بار آورد، همان‌طور که نشتی اخیر نشان داد. فرسودگی پالایشگاه‌ها و کمبود سرمایه‌گذاری سبب شده که پالایشگاه‌های کشور توان کافی برای تولید گازوئیل نداشته باشند. از سوی دیگر، قاچاق سوخت به کشورهای همسایه و چالش‌های سهمیه‌بندی گازوئیل، فشار مضاعفی بر ناوگان حمل‌ونقل و

جامعه

ضرب و شتم دست‌فروشان

۶ نفر از مأموران پیمانکار شهرداری قزوین پس از ضرب‌و‌شتم دستفروشان دستگیر شدند

گروه اجتماعی: ویدئویی در فضای مجازی از خیابان نوروزیان (بلوار شهید سلیمانی) شهر قزوین منتشر شد که جامعه را شوکه کرد: مأموران پیمانکار یخش «رفع سد معبر» شهرداری دو جوان دستفروش را با چوب دستی و مشت و لگد مورد ضرب‌و‌شتم قرار می‌دهند و مأمور نیروی انتظامی در صحنه بدون دخالت نظاره‌گر است. این رویداد به سرعت بازتاب گسترده‌ای در شبکه‌های اجتماعی پیدا کرد و موجی از اعتراضات مدنی، واکنش مسئولان و مطالبه‌گری عمومی را برانگیخت.

پس از انتشار ویدئو، رحیم امینی، فرمانده انتظامی شهرستان قزوین، اعلام کرد که مأموران گشت کلاتری ۱۷ غیاب‌آباد به محل اعزام شدند و با دستور مقام قضایی ۶ نفر از عوامل سد معبر که در ضرب‌و‌شتم دستفروشان نقش داشتند، دستگیر و برای رسیدگی به شکایت شاکیان تحویل مرجع قضایی شدند. دادستان عمومی و انقلاب استان نیز تأکید کرد که این درگیری خارج از عرف و چارچوب قانونی بوده و به همین دلیل بلافاصله پرونده‌ای برای رسیدگی تشکیل شده است. او با استناد به وظایف قانونی شهرداری‌ها، یادآور شد که رفع سد معبر باید در چارچوب قانون و بدون خشونت انجام شود و هیچ فرد یا نهادی حق ندارد، فراتر از قانون عمل کند.

انتشار فیلم، مدیریت شهری قزوین را زیر فشار افکار عمومی قرار داد. مهدی صباغی، شهردار قزوین در ویدئویی ضمن ابراز تأسّف از این رخداد از شهروندان عذرخواهی کرد و گفت که فیلم منتشرشده، ناقص و تقطیع شده است اما فارغ از میزان تقصیر هر یک از طرفین با عوامل خاطی «بدون اغماض» برخورد خواهد شد. او همچنین قول داد که نتایج پیگیری‌ها به اطلاع مردم برسد.

شورای اسلامی شهر قزوین در جلسه‌ای علنی به شدت از رفتار پیمانکاران انتقاد کرد. مهدی مهدی‌خانی، دبیر و رئیس کمیسیون عمران شورا ضمن محکوم کردن اقدام عوامل پیمانکار رفع سد معبر، اعلام کرد که دیدن فیلم تقطیع شده، دل هر انسانی را می‌آزارد و خواستار تعلیق و خلع یعد پیمانکار و برخورد حقوقی با خاطیان شد. در همان جلسه فرح‌الله فصیحی‌رامندی، رئیس شورا نیز ضمن پوزش از مردم گفت که بخش‌هایی از فیلم به طور گسترده در فضای مجازی منتشر شد و احساسات عمومی را جریحه‌دار کرد. این واکنش‌ها نشان‌دهنده فشار افکار عمومی بر مدیریت شهری و اهمیت پاسخگویی و شفافیت است.

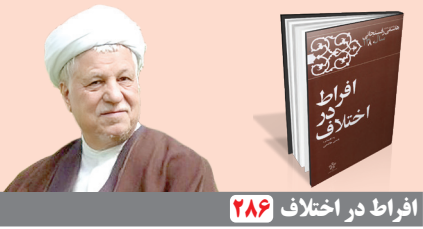
سردار سعید منتظرالمهدی، سخنگوی فراجا، در واکنش به این حادثه در صفحهٔ شخصی خود در شبکهٔ اجتماعی ایکس (توییتر سابق) نوشت که اقدام به ضرب‌و‌شتم توسط افرادی که ظاهراً مجری

سازندگی: روزنامه سیاسی و اجتماعی • صاحب امتیاز: حزب کارگزاران سازندگی ایران • مدیرمسئول: امیر اقلتاعی • سردبیر: اکبر منتجبی
زیر نظر شورای سیاست‌گذاری: سیدحسین مرعشی (رئیس)، محمد عطر یازفر، محمد قوچانی، علی هاشمی، سیدعلیرضا سیاسی‌راد، امیر اقلتاعی
مدیر هنری: رضا دولت‌زاده • عکس: رضا معطریان • ویراستار: سعیده آری‌نفر • حروفچین: مریم شهسوارزاده • نشانی: تهران، پاسداران، نگارستان پنجم، پلاک ۸، تلفن: ۲۲۸۴۱۲۶۲ • چاپ: امید نشر ایرانیان: ۹-۸۸۵۳۷۱۶۸ • توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰

تقویم: نقد صمد

صمد بهرنگی در دهه ۴۰ به عنوان نماد روشنفکری چپ‌گرای ایران شناخته شد؛ معلمی که قصه‌هایش مانند «ماهی سیاه کوچولو» به سرعت در میان نسل جوان دست‌به‌دست می‌شد. اما میراث فکری او پیش از آنکه افقی برای توسعه و آزادی بگشاید، راهی به بن‌بست‌های ایدئولوژیک گشود. نگاه رمانتیک او به مبارزه، نسل جوان را شیفته قهرمانی فردی و خشونت انقلابی کرد، بی‌آنکه پاسخی برای پیچیدگی‌های جامعه ایران داشته باشد. ادبیات بهرنگی با ساده‌سازی واقعیت، زندگی را به تقابل سیاه‌وسفید تقلیل داد. سستم‌گر در یک سوی قصه و مظلوم در سوی دیگر، بی‌آنکه جایی برای اصلاح، مدارا یا گفت‌وگو باقی بماند. این همان منطق دوگانه‌ای بود که بعدها در گفتمان گروه‌های چپ مسلح تکرار شد. بهرنگی یک آموزگار پرشور بود که جهان را با عینک ایدئولوژی می‌دید. حاصل این نگاه، ادبیاتی شد که کودکان و نوجوانان را نه به امید و آگاهی بلکه به نفرت و خشونت سوق می‌داد. امروز در بازخوانی میراث او باید پرسید: آیا واقعاً «ماهی سیاه کوچولو» راهی به دریا گشود یا نسل‌ها را در گرداب توهم چریکی گرفتار کرد؟

کارنامه: خاطرات هاشمی ۱۳۸۰



چهارشنبه ۳ اسفند مصاحبه با مجله متین

در مراسم بزرگداشت شهدای روحانی و فرهنگی لشکر ۱۰ سیدالشهدا تهران شرکت کردم. سردار ناصح و آقای عرب‌پور، روحانی لشکر، گزارش دادند. کل لشکر، چهار هزار و ۱۰۰ شهید داده که ۳۲۰ نفرشان روحانی و فرهنگی‌اند؛ ۸۰ نفر فرهنگی و بقیه روحانی‌اند. یک نفر به نام [محمدرضا] آقاسی که قیافه ژولیده و درویشی داشت، شعری طولانی خواند. من هم در فضایل ایشان گران و ایشان صحبت کردم. اجلاس در یادگان خُر- باغشاه سابق- بود؛ در سالن نزدیک همان آسایشگاهی که من دو ماه سربازی‌ام را [در سال ۱۳۴۲] آنجا گذرانده بودم. آقای شجاع ابراهیمی، [شاعر خراسانی] آمد. پیگیری کرد از قراری که داشتیم، درباره دفاع مقدس و سازندگی شعر بسراید و نیز مشکل پرداخت اقساط وام منزلش را مطرح کرد و پیشنهاد داد که امکانات او را برای زائرسرای مجمع تشخیص [مصلحت نظام] بخریم. عصر، مصاحبه‌ای با مجله متین درباره روند تحولات بعد از انقلاب کردم و به بسیاری از شبهه‌هایی که اخیراً در مورد عملکرد انقلاب مطرح شده، از سیاست‌های فرهنگی، اقتصادی، خارجی و سیاسی پاسخ گفتم؛ قسمت دوم بود.

آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر ماده ۳ و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف

برابر آراء صادره هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی تصرفات مالکانه بلا معارض محمد علی جلالی شاهکوه به شماره شناسنامه ۴۷۴ بشماره ملی ۲۱۲۱۴۷۹۱۲۰ صادره از گرگان فرزند حسن متقاضی کلاسه پرونده ۱۴۰۳۱۱۴۴۱۲۴۸۰۰۰۷۵۳ درشاندگ عرصه و اعیان یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۹۹۰.۳۱ متر مربع از پلاک شماره ۴- اصلی واقع در اراضی باغ گلین بخش ۳ حوزه ثبت ناحیه ۲ گرگان طبق رای صادره حکایت از تصرفات متقاضی دارد لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله پانزده روز آگهی میشود از این رو اشخاصی که نسبت به رای صادره فوق الذکر اعتراض داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی بمدت دو ماه اعتراض خود را با ذکر شماره پرونده به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی دادخواست خود را به مرجع ذیصلاح قضائی تقدیم و گواهی تقدیم دادخواست را به این اداره ارائه نمایند.
شناسه آگهی: ۱۹۸۳۲۰۷۰
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴۰۵.۲۵
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴۰۶.۱۱

سید عیسی میر کاظمی
سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک منطقه دو گرگان
از طرف احمد نویبان

آگهی اختصاصی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه اجرائی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۴۰۳۱۲۰۰۸۰۰۲۷۴۵ تاریخ ۱۴۰۴/۵/۱۵ هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی شهرستان آق قلا پرونده کلاسه ۱۴۰۳۱۱۴۴۱۲۴۸۰۰۰۹۹۲ بشماره ملی ۴۹۷۹۶۷۸۹۴۷ تصرفات مالکانه و بلا معارض متقاضی آقای حامد پلمه فرزند منگلی به شماره شناسنامه ۷۳ و کد ملی ۴۹۷۹۶۷۸۹۴۷ صادره آق قلا در شش‌دانگ یک قطعه زمین با بنای اجدائی به مساحت ۲۵۰/۴۰ مترمربع ، مغروز، و مجزی شده جزئی از پلاک ثبتی شماره ۴- اصلی واقع در اراضی قریه پلمه خندان- بخش ۱۳ حوزه ثبتی ملک شهرستان آق قلا تأیید گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ ، رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم ، اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضائی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت اقباضی مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
م الفد۵۵۵
تاریخ انتشار نوبت اول روز سه شنبه ۱۴۰۴/۶/۱۱
تاریخ انتشار نوبت دوم : روز چهارشنبه ۱۴۰۴/۶/۲۶
مهناز جهانفر
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک آق قلا

وجود آمد بلکه به این معنا که موضوعات و مسائل جدید در علم کلام، جایگزین مسائل و موضوعات قبلی علم کلام شده است. بنابراین در علم کلام جدید هم موضوعات تغییر کرده و هم روش‌های آن توسعه یافته است وگرنه علم کلام به حیات خود با تغییر موضوعات و روش‌ها ادامه داده است و می‌دهد. مثال دیگر را می‌توان به تغییر در روش در علم جامعه‌شناسی بیان کرد. در دهه‌های اخیر روش علم جامعه‌شناسی که در آن غلبه با روش‌های محاسباتی (کمی) بود، در دوران معاصر به غلبه در روش‌های مصاحباتی (کیفی) تغییر کرده است. بیان اینکه علوم اجتماعی امروزه کارآمد نیست یا به درد نمی‌خورد و مربوط به دو قرن گذشته است، اظهاری غیرتخصصی، ذوقی و ایدئولوژیک است.

۲ مشکل علوم اجتماعی در ایران پیش از انقلاب این بود که مقدرات آن به دست مهندسان و عالمان فن‌آوری و تکنولوژی بود. این بله پس از انقلاب افزون شد و علاوه بر مهندسان، مقدرات علوم اجتماعی به دست حوزویان ناآشنا به علوم انسانی و اجتماعی نیز افتاد. البته در بین حوزویان کسانی هستند که در فلسفه علوم اجتماعی یا یکی از رشته‌های علوم انسانی و اجتماعی تحصیل کرده (نه خودخوانده) باشند. عدم آشنایی به علوم انسانی و اجتماعی و فلسفه این علوم باعث ایجاد تلقی عدم کارآمدی و بعضاً اظهارنظرهای غیرتخصصی و ایدئولوژیک در خصوص این علوم می‌شود. برای نمونه آن می‌توان به این پدیده اجتماعی اشاره کرد که سکان معاونت علوم انسانی وزارت علوم (البته اگر بتوان اسم معاونت به آن داد) در چند دوره‌های که تأسیس شده است، یا به دست تحصیلکردگان رشته معارف اسلامی سپرده شده است. یا ریاست پژوهشگاه حوزه و دانشگاه غیر از یک مورد بقیه مسؤولان آن از رشته‌هایی بوده‌اند که نه فلسفه علوم اجتماعی را به خوبی می‌شناختند و نه تحصیلاتی در یکی از علوم انسانی و اجتماعی داشته‌اند و این مشتم نمونه خروار است و تو خود بخوان حدیث مفصل.

۳ استمرار مسأله قبل، وضع افراد غیرمتخصص در رشته، موضوع و مسائل فرهنگی به دبیری شورای

عالی انقلاب فرهنگی است، مقدرات امور فرهنگی کشور در سالیانی متمادی به افرادی سپرده شده که یا مهندس، دامپزشک، علوم قرآنی، معارف اسلامی است و به گفته بعضی از آنها صرفاً مطالعاتی در زمینه فرهنگ داشته‌اند یا علوم قرآنی و معارف اسلامی را همان مباحث و موضوعات فرهنگی می‌دانند و علوم فرهنگی چیزی غیر از علوم و معارف قرآنی نیست. افزون بر اینکه بعضاً دبیران شورای انقلاب فرهنگی غیرمتخصص بوده‌اند، اظهارنظرهای غیرتخصصی و غیرکارشناسانه و بعضاً ایدئولوژیک نیز از آنان یا از مدیران و مجریان امور فرهنگی در دستگاه‌های فرهنگی ذی‌ربط، مزید بر علت شده است تا علوم انسانی و علوم اجتماعی در ایران اسلامی بعضاً ناکارآمد و گاهی معضل و مشکل کشور و دانشگاه تلقی شود. اما این ناکارآمدی از این علوم نیست بلکه از مسؤولان و مدیران اجرایی است که سبب بروز این تلقی شده است، دلیل این مسأله این است در دوره‌هایی که امور انسانی، اجتماعی و فرهنگی به اهل فن آن سپرده شده، کارآمدی این علوم به طور محسوسی مشاهده شده است.

۴ یک مسأله دیگر علوم انسانی و علوم اجتماعی در جامعه ما این است که بعضاً نگاه ایدئولوژیک به آن می‌شود و بر اساس آن اظهار می‌شود که این علوم از کارآمدی لازم برخوردار نیست. افزون بر نگاه ایدئولوژیک، اعمال سلیقه و نظر از سوی مدیران و مجریان دستگاه‌ها سبب می‌شود، توصیه‌های عالمان علوم انسانی و اجتماعی اجرا نشود و در نتیجه، نتایج مورد نظر از مطالعات و تحقیقات محقق نگردد، مشکلی که در علوم فنی، پایه و پزشکی یا اصلاً وجود ندارد یا بسیار کمتر وجود دارد. در موضوعات انسانی، اجتماعی و فرهنگی همه خود را صاحب‌نظر می‌دانند و ایدئولوژی، تمایلات و سلاقی خود را در اجرای آن دخالت می‌دهند که اگر نتایج و توصیه‌های علوم انسانی و اجتماعی از این آسیب‌ها دور شوند قطعاً کارآمدی آنها در جامعه نیز مشاهده می‌شود. به طور مثال می‌توان به این مورد اشاره کرد که اخیراً مطلبی تحت عنوان «از انسجام اجتماعی تا سرمایه اجتماعی»، راهکارهایی در تبدیل انسجام اجتماعی پس از جنگ ۱۲ روزه اسرائیل جنایتکار منتشر کرد که در آن قریب ۳۰ راهکار ارائه شده است. برای تست علوم اجتماعی در ایران هم که شده، بیایید یک تلاش جمعی در راستای تحقق این راهکارها انجام دهیم، اگر باعث افزایش سرمایه اجتماعی نشد، حق با کسانی است که تاریخ این علوم را پایان یافته یا علوم انسانی و اجتماعی را در ایران ناکارآمد می‌دانند.

پی‌نوشت‌ها:

1- <https://farhikhtegandaily.com/news/212985>

2- <https://rihu.ac.ir/fa/news/38788>

